



نظام آموزشی پاکستان

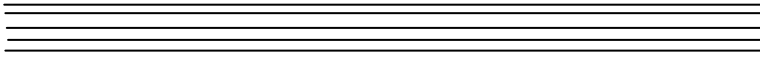
- ۵ ملاحظات تاریخی
- ۷ ملاحظات جغرافیایی
- ۱۰ ملاحظات سیاسی
- ۱۰ قانون اساسی
- ۱۰ قوه مقننه
- ۱۱ قوه قضائیه
- ۱۳ سیاست خارجی
- ۱۳ نهادهای سیاست گذار
- ۱۳ رابطه دولت فدرال و جمهوریهای ملی
- ۱۴ ملاحظات اقتصادی
- ۱۶ ارکان اقتصاد



۱۷.....	بخش معدن
۱۸.....	بخش صنایع
۲۱.....	بخش کشاورزی
۲۱.....	نقش کشاورزی در اقتصاد کشور
۲۲.....	بخش صید و دامپروری
۲۳.....	ملاحظات علمی
۲۳.....	تاریخچه آموزشی
۲۴.....	جمعیت
۲۴.....	نقش زنان در ترکیب جمعیتی
۲۵.....	رشد جمعیت
۲۶.....	مهاجرت
۲۷.....	زبان
۲۸.....	سیاستهای آموزشی
۳۰.....	سیاستهای آموزشی دهه ۱۹۹۰
۳۱.....	ساختار آموزشی
۳۲.....	آموزش پیش دانشگاهی
۳۳.....	آموزش پیش دبستانی
۳۳.....	آموزش پایه
۳۴.....	آموزش ابتدایی
۳۴.....	ساختار آموزش ابتدایی
۳۴.....	برنامه های آموزشی
۳۶.....	افت تحصیلی
۳۶.....	آموزش متوسطه
۳۶.....	تاریخچه
۳۷.....	ساختار آموزشی
۳۷.....	مرحله مقدماتی متوسطه



۳۷.....	مقطع پیش دانشگاهی (آموزش تکمیلی متوسطه)
۳۸.....	آموزش مقدماتی متوسطه
۳۸.....	ساختار آموزشی
۳۸.....	برنامه های آموزشی
۳۹.....	اصلاحات آموزشی
۴۰.....	مقطع تکمیلی متوسطه
۴۱.....	برنامه های آموزشی
۴۱.....	آمار تحصیلی
۴۲.....	آموزش عالی
۴۲.....	سیاستهای آموزشی پیش از استقلال
۴۲.....	ساختار آموزشی
۴۳.....	مقاطع تحصیلی
۴۳.....	پذیرش تحصیلی
۴۴.....	ارزشیابی مدارک تحصیلی
۴۵.....	دانشگاه ها
۴۵.....	امکانات آموزشی
۴۵.....	کتابخانه های دانشگاهی
۴۶.....	پژوهش و تحقیقات
۴۶.....	تاریخچه
۴۸.....	شبکه ملی اطلاع رسانی
۴۸.....	مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی
۴۹.....	آموزش معلمان
۴۹.....	برنامه های آموزشی
۵۰.....	ارتقاء سطح دانش معلمان
۵۱.....	آموزش ضمن خدمت
۵۱.....	آموزش استثنایی
۵۲.....	جهت گیری آموزشی



- آموزش بزرگسالان ۵۲
- نرخ با سواد بزرگسالان ۵۲
- آموزش زنان ۵۳
- آموزش علوم مذهبی ۵۴
- مدارس علوم دینی اهل سنت ۵۵
- مدارس علوم دینی بریلویها ۵۵
- مدارس علوم دینی شیعیان ۵۷
- سازمان دانشجویان امامیه ۵۹
- اصول و اهداف آموزشی ۵۹
- اولویتها و علایق آموزشی ۶۱
- مدیریت آموزشی ۶۲
- قوانین آموزشی ۶۳
- بودجه و هزینه های آموزشی ۶۴



ملاحظات تاریخی

شبه قاره هند و پاکستان سرزمینی است که بیش از یک میلیارد جمعیت با گذشته درخشان و خیره کننده در آن زندگی کرده و در بسیاری از موارد به منزله مادر تمام دنیا محسوب می گردد. در مدتی به طول ۱۵ قرن موجب پیدایش مردان والاگه‌ری چون (بودا) و گاندی بوده که با وجود خود، جهان انسانیت و عرصه علم و دانش را زینت بخشیده اند. در حال حاضر پاکستان شامل مناطقی است که از دیرباز مهد تمدن و فرهنگ بوده و تمدن دره سند از برخی جهات مقارن با تمدن بین النهرین است. (گوردن چایلد) معتقد است که در دره سند در حدود ۳ هزار سال پیش از میلاد مسیح یک نوع تمدن شهری وجود داشته است. فاصله بین زندگی روستایی و شهری آنقدر سریع پیموده شد که اثرات خارجی را نمی توان نادیده گرفت و این تمدن به مرحله ای از رشد رسید که دارای دولت و طبقات منظمی شده بود. اکتشافات (موهنجودارو) و (هاراپا) خودشاهدی بر این مدعی است. در حدود نیمه هزاره دوم این تمدن دوران انحطاط خود را آغاز نموده، (هاراپا) و (موهنجودارو) خالی از سکنه گردیده و این تمدن به وسیله هجوم اقوام آریایی در هم شکسته شد. واقعه مهم تاریخی که پس از تداول تمدن وادی سند رخ داد، اسکان نهایی آریاها در پنجاب بود. اصالت تمدن دادی سند تنها در مناطق جنوبی این قسمت حفظ شده و تا هزاره اول پیش از میلاد ادامه داشته است. در حدود سال ۵۱۲ پیش از میلاد، داریوش اول بخشی از سند را تصرف نموده و به جزء امپراطوری هخامنشی الحاق نمود. پس از هخامنشیان اسکندر مقدونی به علت رقابت شاهان هند با یکدیگر، شاه پنجاب (پوروس) را شکست داد. طی دوره عظمت اشکانیان حدود کشور آنان تا پنجاب فرا



رفت ، اما این حد در دوره کمال و عظمت اشکانی بوده است. در دوره ساسانیان این کشور جزئی از ایران یا دست نشاندۀ ایران به شمار میرفت. جمعیت فعلی پاکستان مخلوطی از نژادهای آریایی، مغول، سالتن یا شاک، ترک، ایرانی، عرب، یونانی، دراویدی و اروپایی است که بصورت اقوام پشتو(پتان)، بلوچ، سندی و پنجابی در ایالات مختلف پاکستان به سر می برند. شبه قاره هند که پاکستان نیز قسمتی از آن است، دارای سابقه طولانی تمدن می باشد که قدمت آن به چند هزار سال پیش از میلاد مسیح باز می گردد. این تمدن در اطراف دره سند شکوفایی داشته است. در قرن ششم قبل از میلاد بود که بودا آیین خود را در نواحی شمال غربی هندوستان(حدود پاکستان امروزی) رایج ساخت. طی این قرن و در حدود سال ۵۱۲ پیش از میلاد، داریوش اول قسمتی از سند را تصرف نموده و آن را جزو خاک امپراطوری هخامنشی نمود. همچنین اسکندر نیز بخش هایی از خاک این شبه جزیره را تصرف نموده و ساسانیان نیز توانستند متصرفات خود را تا رود سند گسترش دهند. اما در هر حال در خود شبه قاره، حکومت پادشاهی با صنعت و قوت وجود داشته است. با فتح ایران توسط مسلمانان و ورود دین مبین اسلام به این منطقه، راه برای دستیابی به هند هموار گردید. در این مسیر بدون شک هدف اول، شمال غربی شبه قاره هند(پاکستان امروزی) بوده است. اولین لشکرکشی در زمان حضرت علی (ع) به ناحیه سند ثبت شده است، اما علمای تاریخ و مردم پاکستان فتح قطعی و ورود اسلام به این کشور را در زمان خلافت ولید بن عبدالملک، توسط جوانی به نام(محمد بن قاسم) داماد و پسرعموی حجاج بن یوسف ثقفی می دانند. پس از این فتوحات و در دوره های بعد نیز حملاتی به هند صورت گرفت. اکثر سلسله های ایرانی پس از اسلام تا قاجاریه، تمامی یا قسمتی از پاکستان را تحت تسلط و نفوذ داشته اند. از جمله حملات مهم، می توان به یورش یعقوب لیث صفاری، طی سال



۲۵۶ هجری اشاره نمود که تا قسمت علیای رودخانه سند پیش رفت. لشکر کشی های عمده بعدی از جانب (محمود غزنوی) بود که در سال ۳۹۲ هجری (اواخر قرن ۱۰ میلادی) آغاز گردیده و پس از چند نوبت حمله، قسمت اعظم شمال غربی هندوستان (پاکستان امروزی) که در ترویج دین اسلام نیز مؤثر بود به تصرف درآمد. در این حملات (ابوریحان بیرونی) نیز محمد را همراهی کرد و کتاب (ماللهند) اثر معروف وی نیز مربوط به همین مسافرت است. در این دوران بود که شهر قدیمی (لاهور) به عنوان مرکز فرهنگی مسلمانان هند معرفی گردید. هجوم مغولان منجر به تسخیر کامل شبه قاره هند گردید و این در حالی است که قبل از آن سلسله اسلامی غوریان (آل شنسب) که خود، غزنویان را بر کار کرده بودند، بر قسمت هایی از آن حاکمیت داشتند. پس از مغولان، نوبت به تیموریان رسید. ظهیرالدین بابر (که مسجد بابر در هند به نام او است) یکی از شاهزادگان تیموری مقارن تشکیل سلسله صفویه در ایران با مغلوب نمودن آخرین پادشاه خانواده (لودی) در سال ۱۵۲۶، به پادشاهی شبه قاره جلوس نموده و جانشینان وی بیش از سه قرن بر این منطقه تسلط و حکمرانی داشتند. جانشین بابر (همایون شاه) به پاس کمک شاه طهماسب صفوی در اعاده سلطنتش قول به گسترش مذهب تشیع در هندوستان داد. نادرشاه افشار در زمان محمدشاه به هندوستان حمله نمود و در سال ۱۷۳۹ وی را شکست داد. اما پس از غارت دهلی، تاج و تخت را به وی بازگردانید.

ملاحظات جغرافیایی

کشور پاکستان در نیمه جنوبی منطقه معتدله شمالی و در جنوب قاره آسیا بین مدارهای ۲۳/۳۰ درجه تا ۳۶/۴۵ درجه شمالی و ۶۱ درجه تا ۷۵/۳۱ درجه شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. مساحت این کشور



بر ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع بالغ می گردد. به عبارت دیگر این کشور از لحاظ وسعت سی و پنجمین کشور بزرگ جهان است. کشور پاکستان از غرب با ایران (۸۰۵ کیلومتر) و افغانستان (۲۲۵۲ کیلومتر) از شمال با کشور چین (۵۸۵ کیلومتر)، از شرق (در قسمت پنجاب و راجستان) با کشور هندوستان (۱۶۱۰ کیلومتر)، مرز مشترک دارد. در جنوب پاکستان دریای عمان قرار گرفته و طول دریایی این کشور ۸۸۵ کیلومتر است. آب و هوای پاکستان در نواحی مختلف کاملاً متفاوت است. مقدار بارش سالیانه باران بسیار ناچیز است. این در حالی است که در سرایشب های جنوبی هیمالیا مقدار بارش باران بین ۳۰ تا ۳۵ اینچ است. خشک ترین ناحیه کشور پاکستان، منطقه بلوچستان است. در پاکستان ۳ رشته کوه به نامهای (قراقرم)، (هیمالیا) و (سلیمان) وجود دارد. امتداد کوه های قراقرم و هیمالیا در شمال کشمیر نیز به سمت شمال باختری پاکستان کشیده شده و با کوه های سلیمان که دنباله جبال هندوکیش است بهم پیوسته و به سمت جنوب و جنوب باختری پاکستان امتداد یافته اند. کوه های سلیمان از خاک افغانستان آغاز می گردد که هر چه به سمت خاور پیش می رود پست تر شده و تاجلگه سند و جلگه های اطراف آن میرسد. کشور پاکستان از فلات استان بلوچستان (جزئی از فلات بزرگ ایران) و نیز فلات پوتھوار مشتمل بر مناطق اسلام آباد، راولپندی، جهلم، چکوال، اتک و کوهستان نمک در شمال غرب استان پنجاب و نیز جلگه رود سند و صحرای تارتهر (منطقه ریگستانی میان هند و پاکستان) متشکل می گردد. از جمله مهمترین صحراهای بزرگ پاکستان میتوان به صحرای تهر و چولستان در استان پنجاب، صحرای تاردر استان سند و صحرای سیمان در استان بلوچستان اشاره نمود. از جمله مهمترین رودهای پاکستان میتوان به سند، جهلم، چناب، راوی و ستلج اشاره نمود. رود سند بزرگترین و طولانی ترین رود پاکستان و یکی از رودهای مهم جهان به شمار می رود. رود سند به آبسین (پدر رودها) شهرت داشته و بر ۸۰ کیلومتر بالغ میگردد. این رود از دریاچه مانسرو در تبت چین سرچشمه



گرفته و از طریق کهرمنگ بلتستان وارد پاکستان شده و پس از طی مسیر طولانی به دریای عمان می ریزد. رودهای
چناب و جلهم نیز از کشمیر و ستلج و راوی هند وارد پاکستان شده و به رود بزرگ سند می پیوندند. کشور پاکستان
از نقطه نظر وضعیت طبیعی به ۶ ناحیه به شرح ذیل قابل تقسیم است :

۱- ناحیه جبال

۲- فلات پتوار و رشته کوه های نمک

۳- کوهپایه های غربی هیمالیا

۴- جلگه های پایین رود سند

۵- فلات بلوچستان

۶- کویر تهاراتل

کشور پاکستان از نقطه نظر تقسیمات کشوری نیز از ۶ منطقه پنجاب، سند، بلوچستان، سرحد مناطق قبیله ای
و پایتخت و حومه متشکل میگردد. از جمله پرجمعیتترین شهرهای کشور نیز میتوان به کراچی، لاهور، شهر
پشاور، شهرستان گیلگیت، دره پاره چنار و ملتان اشاره نمود.



ملاحظات سیاسی

قانون اساسی

نخستین قانون اساسی پاکستان در سال ۱۹۵۶ به تصویب رسیده و براساس سیستم جمهوری پارلمانی در پاکستان برقرار گردید. با کودتای ایوب خان در سال ۱۹۵۸ میلادی، قانون اساسی مذکور ملغی شد. دومین قانون اساسی؛ در سال ۱۹۶۲ میلادی، توسط ایوبخان و همکارانش تدوین گردید. در این اثنا، تمرکز قدرت در دست رئیس جمهوری بود، اما پس از اغتشاشات و برکناری ایوب خان در سال ۱۹۶۹ و استقرار حکومت نظامی، این قانون لغو گردید. در قانون اساسی ایوب خان، حقوق اساسی مردم تضمین نگردیده بود اما به علت مطالبه شدید احزاب سیاسی و عده ای از اعضای رژیم حاکم، نخستین تغییر در قانون اساسی کشور به تصویب رسیده و طبق آن حقوق اساسی مردم از جمله موضوعات لایحه ارجاع به دادگاه مورد توجه گرفت. در آوریل سال ۱۹۶۹، یحیی خان طی فرمانی دستور داد که با وجود آنکه قانون اساسی ۱۹۶۲، لغو گردیده است، امور قانونی کشور در حدود همان قانون اساسی اداره خواهد شد، تا اقدامات دولت فاقد اعتبار قانونی نباشد.

قوه مقننه

پاکستان از نظامی شبیه انگلستان (نظام پارلمانتاریستی) برخوردار بوده و طبق قانون اساسی به شکل فدرال اداره میگردد. بطور کلی پاکستان از ۲ مجلس عمومی تحت عناوین مجلس شورای ملی و مجلس سنا در مرکز برخوردار بوده و هریک از ایالات نیز دارای یک مجلس مربوط به خود می باشد. نخست وزیر که قدرت اجرایی را در دست دارد، رئیس حزب یا ائتلاف حاکم بر مجلس شورا است. ایالات کشور نیز از حکومت محلی برخوردار



می باشند. قانونگذاری در پاکستان توسط دو مجلس ملی و سنا صورت می پذیرد. هریک از وزرا می بایست عضو یکی از این دو مجلس باشند. اعضای مجلس شورای ملی طی انتخابات سراسری از سوی مردم برای مدت ۵ سال انتخاب می شوند. این مجلس را رئیس جمهور - طبق ماده ۸ قانون اساسی - میتواند منحل نماید. طبق قانون اساسی سال ۱۹۷۳، ۱۰ کرسی نیز برای نمایندگان زن در نظر گرفته شده بود. تعدادی از کرسی های مجلس شورای ملی نیز به اقلیت های هندو، سیک، بودایی و پارسی تعلق دارد. طبق آمار سال ۱۹۸۹، مجلس شورای ملی از ۲۳۷ نماینده برخوردار بوده است. تعداد نمایندگان مجلس سنا نیز ۸۷ نفر می باشند. این تعداد توسط اعضای مجلس ایالتی سند، پنجاب، سرحد و بلوچستان برای مدت ۵ سال انتخاب می گردند. این مجلس قابل انحلال نیست. مصوبات مجلس ملی پس از تایید مجلس سنا، با توشیح (امضاء) رئیس جمهور قابل اجرا می باشد. مجلس سنا همچنین می تواند لوایحی را که به تصویب رسانده است جهت تایید به مجلس ملی ارائه نماید. هر یک از ایالات پاکستان نیز از مجلس ایالتی برخوردار می باشند که اعضای آن مسقیماً توسط مردم ایالتی انتخاب میگردند. رئیس الوزرا (سر وزیر حکومت محلی) هر ایالت توسط این مجلس انتخاب می گردد. نمایندگان مجالس ایالتی برای مدت ۵ سال انتخاب میشوند. مجلس شورای فدرال با ۲۸۸ نماینده، به تشکیل نخستین نشست خود طی سال ۱۹۸۳، در شهر اسلام آباد مبادرت نمود. این مجلس ۳ سال بعد طی سال ۱۹۸۵، پس از انتخابات منحل گردید.

قوه قضائیه

نظام قضایی پاکستان بر دیوان عالی، دادگاه عالی، دادگاه فدرال و دادگاه های خاص استوار است.



دیوان عالی بالاترین مرجع قضایی کشور است. رئیس دیوان عالی توسط رئیس جمهور انتصاب و عزل می گردد. قضات دیوان عالی توسط رئیس جمهور با مشورت با رئیس دیوان عالی نصب می گردند. در صورت وجود اختلاف میان ۳ قوه و عدم رفع اختلاف، دیوان عالی کشور صادر کننده رأی نهایی خواهد بود. مرکز دیوان عالی در شهر اسلام آباد است که از ۴ نمایندگی در شهرهای لاهور و دو نمایندگی در شهر کراچی برخوردار است. در هر استان یک دادگاه عالی مرجع رسیدگی به دعاوی و شکایات است. دادگاه های عالی از رئیس و تعدادی قاضی برخوردار می باشند. ریاست این دادگاه (چیف جاستیک) عنوان دارد. رؤسای دادگاه های عالی توسط رئیس جمهور و قضات دادگاه های مذکور توسط رئیس جمهور با مشورت با رئیس دیوان عالی، فرماندار ایالت مربوطه و رئیس دادگاه عالی منصوب می گردند. دادگاه های عالی بر دادگاه های تحت نظارت خود نظارت و کنترل بعمل می آورند. دادگستری در شهرستان ها؛ نیز تابع دادگاه عالی ایالتی است. در حال حاضر ۴ دادگاه عالی در شهرهای لاهور، پشاور، کوئته و کراچی وجود دارد. محل تشکیل دادگاه شریعت در دادگاه عالی کشور است. در جلسات این دادگاه علاوه بر مقام ریاست آن، هفت قاضی - که ۳ تن از آنان از میان علماء برگزیده می شود - حضور دارند. دادگاه خاص نیز بنا بر احساس نیاز و فوریت تشکیل می گردد.



سیاست خارجی

تصمیم گیری در سیاست خارجی از جمله مسئولیتهای دولت فدرال است که باتوافق جمهوریهای ملی در اختیار آن گذارده می شود. این سیاست باید بر مبنای استقلال و عدم تعهد استوار باشد. دولت فدرال ملزم به اجرای امور ذیل است :

۱- احترام به منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۲- مشورت با جمهوریها در امور سیاست خارجی و انعقاد هر گونه قرارداد

۳- دولت فدرال با حفظ حسن همجواری ملزم به فراهم سازی شرایطی است، تا همکاری فرهنگی و آموزشی میان جوامع مختلف کشور برقرار گردد.

۴- حمایت از جنبشهای رهائی بخش و دمکراتیک

نهادهای سیاست گذار

رابطه دولت فدرال و جمهوریهای ملی

روابط مابین دولت فدرال و جمهوریهای فدرال بر اساس اصول ذیل تعیین می گردد :

۱- حاکمیت ملی صلاحیت ها و اختیارات اصلی در حیطه اختیارات جمهوریهای ملی است. قانون اساسی فدرال صلاحیتها و اختیارات دولت فدرال را مشخص میکند. دولت فدرال دارای صلاحیتهای انحصاری در اموری است که کلیه جمهوریهای ملی در اختیار آن قرار می دهند. از جمله صلاحیتهای و اختیارات دولت فدرال میتوان به در دست داشتن "امور دفاعی"، "امور خارجه"، "سیاستهای اقتصادی بین المللی"، "ارتباطات و راه و ترابری" اشاره



نمود. جمهوریهای ملی نیز از سایر صلاحیتها و اختیارات و تصمیم گیری در اموری که به دولت فدرال واگذار نگردیده است، برخوردار می باشند. مجری قوانین و تصمیمات دولت فدرال در جمهوریها، کارگذاران جمهوری ها می باشند.

۲-دمکراسی پارلمانی در سطوح مختلف تصمیم گیری دولت فدرال و جمهوریهای ملی برقرار است.

۳-مهوریهای ملی در بالاترین نهادهای دولت فدرال، قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه صرفنظر

از میزان جمعیت و یا وسعت جغرافیایی از سهم برابر و حقوق مساوی برخوردارند.

۴-قوانین اساسی دولت فدرال و جمهوریهای ملی مدون با قوانین و تبصرهای مشخص برای تقسیم

قدرت به شکل افقی تفکیک قوای مقننه، اجرائی، قضائی و تقسیم عمودی قدرت مابین دولت فدرال و

دولتهای ایالتی می باشد. این مانع خود مانع از تمرکز قدرت دیکتاتوری و یا اقلیت می گردد.

۵-لاحتیهای اخذ مالیات میان دولت فدرال و جمهوریها به گونه ای تقسیم می گردد که جمهوریهای ملی در

اداره امورداخلی خود از حق تصمیم گیری برخوردار بوده و به صرف مالیاتهای مآخوذه در امورداخلی خود

مبادرت نمایند. مآزاد درآمد مالیاتی دولت فدرال نیز در جهت تأمین رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی

جمهوریهای ملی بر حسب نیاز تقسیم می گردد.

ملاحظات اقتصادی

رشد تولید ناخالص ملی پاکستان، ۸/۴٪ برابر با ۱۰۴ میلیارد روپیه پاکستانی است. تولید ناخالص داخلی،

۱۰۱۷ میلیارد روپیه، درآمد سرانه ۹۲۱۸ روپیه (حدود ۳۶۸ دلار) و بدهی خارجی بین ۱۶ الی ۱۷ میلیارد دلار



است. بنابر نظر منابع مستقل، این میزان بین ۲۵-۱۸ میلیارد دلار می باشد که به نظر دیپلمات های خارجی مقیم کراچی رقم ۳۲ میلیارد دلار به واقعیت نزدیکتر است. بدهی رسمی داخلی؛ بنا به اظهار سناتور پروفیسور خورشید احمد ۱۷/۶ میلیارد دلار (۴۴۰ میلیارد روپیه) است. کل صادرات پاکستان نیز بر ۱/۶ میلیارد دلار و واردات آن بر ۷/۶۳ میلیارد دلار بالغ می گردد. در بررسی سیستم اقتصادی پاکستان، نوعی سیستم مختلط به چشم می خورد، زیرا علاوه بر دخالت بخش بخصوص، بخش دولتی نیز بطور مستقیم و غیر مستقیم در اداره اقتصاد کشور دخالت و نظارت دارد. از نقطه نظر تاریخی، در طول حیات کشور پاکستان از سال ۱۹۴۷ تا کنون میتوان چهار مرحله را برای اقتصاد این کشور در نظر گرفت :

۱- دوره استقلال کشور طی سال ۱۹۴۷ تا روی کار آمدن ایوب خان طی سال ۱۹۵۸

مشخصه این مرحله جانشین کردن کالاهای داخلی بجای کالاهای وارداتی و اعمال سیاست های حمایتی شدید از صنایع داخلی بود که به رشد نسبتا سریع اقتصادی کشور منجر گردید. این دوران مصادف با سال های اولیه استقلال کشور و توأم با ناآرامی های شدید بود.

۲- دوره بین سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۱ مقارن با تجزیه کشور بنگلادش

مشخصه این دوره تاکید فراوان دولت بر تمرکز مالکیت صنایع از طریق ایجاد انگیزه های متعدد تولیدی و صادراتی و حفظ سیاستهای حمایتی جهت پشتیبانی از واحدهای داخلی استوار بود.

۳- دوران زمامداری ذوالفقار علی بوتو طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷



وی با تمایلات سوسیالیستی خود تغییر عمده ای در سیاست صنعتی کشور پدید آورد. از جمله مدیریت مستقیم صنایع را بدست گرفته و به ملی سازی بسیاری از واحدهای بزرگ صنعتی، بانک ها و شرکت های بیمه عمر داخلی طی سال ۱۹۷۴ مبادرت نمود. در این اثنا، دولت پاکستان برنامه سرمایه گذاری دولتی بر روی طرح های تولیدی صنعتی کوچک در سطح گسترده را دراهم فعالیتهای خود قرار داد. در این اثنا همچنین، سهم بخش خصوصی از ۹۰ درصد طی سال ۱۹۷۳ به ۲۶ درصد طی سال ۱۹۷۸ کاهش یافت.

۴- دوره کودتای ضیاء الحق تا حال حاضر

این مرحله با تغییراتی همچنان ادامه دارد. مشخصه بارز این دوره ، بازگرداندن نقش عمده به بخش خصوصی در اقتصاد و گشایش راه برای سرمایه گذاری خارجی و محدود سازی دامنه فعالیتی بخش دولتی به برخی فعالیت ها و نظارت بر روند کلی اجرای برنامه های اقتصادی است. قابل ذکر است که مقامات اقتصادی پاکستان کرارا مدعی شده اند که سیستم اقتصادی این کشور بر پایه اقتصاد اسلامی بنا گذارده شده است، اگرچه تاکنون گام های مهم و عملی در این راه اتخاذ نگردیده است.

ارکان اقتصاد

ارکان اقتصاد کشور پاکستان بر چهار رکن معدن، صنعت، کشاورزی و صید و دامپروری استوار

است.



بخش معدن

۱- نفت

میزان استخراج نفت در حدود ۷۰ هزار بشکه در روز است. این مقدار تنها جوابگوی ۱۰ درصد مصارف داخلی است. لذا قسمت اعظم نیازهای نفتی و فرآورده ای آن خارج از کشور تامین می شود. چاه های نفت پاکستان در استان های سند و پنجاب قرار دارند.

۲- گاز طبیعی

۳۵ درصد سوخت کشور توسط گاز تامین می شود. پاکستان دارای ذخایر وسیع گاز است. این میزان قریب به ۱۵۷۰۶ میلیارد فوت مکعب تخمین زده شده است. منابع گاز طبیعی کشور نیز در استان بلوچستان و خیرپور، مرزانی، ساری، هندی، کندکوت و سارنگ در استان سند و دهواک، پرکوه، دهلیان و میال در استان پنجاب قرار دارند.

۳- زغال سنگ

معادن زغال سنگ در نقاط مختلف پاکستان وجود دارد. این معادن صرفاً ۱۰ درصد نیاز سوختی کشور را تامین می کنند. مزید بر اینکه نوع زغال سنگ تولیدی مرغوب نیست. بزرگترین معدن زغال سنگ پاکستان در استان پنجاب در محل مکروال واقع در کوهستان نمک قرار گرفته است.



۴- آهن

۱۶ درصد نیاز آهن کشور از معادن داخلی تامین می گردد. بزرگترین معادن آهن در منطقه کالاباغ (شهرستان میان والی) کشف شده است. آهن معادن چترال (استان سرحد) و نوکندی (استان بلوچستان) از نوع مرغوب است. مواد اولیه کارخانه ذوب آهن کراچی از خارج کشور تامین می گردد.

۵- کروم

بزرگترین معادن کروم جهان در پاکستان واقع است. کروم استخراج شده به خارج از کشور نیز صادر می گردد. مهمترین معادن کروم در استان بلوچستان و استان سرحد قرار دارد.

۶- سنگ آهک

سنگ آهک بزرگترین معادن پاکستان را تشکیل میدهد. این معادن در اکثر نقاط پاکستان یافت می گردد. معادن وسیع سنگ آهک در مناطق اندوت، (اوودخیل) واه، روهری، حیدرآباد و کراچی قرار گرفته اند.

بخش صنایع

پس از استقلال، کشور پاکستان از صنعتی عقب مانده و بیمار برخوردار بوده و معدود کارخانه های موجود کشور نیز تولید مطلوبی نداشتند. از این روی، دولت نوپای پاکستان طی سال ۱۹۴۸، مبادرت به اعلان سیاست صنعتی خود نموده و جهت بهبود وضع صنعت کشور، به تقویت سرمایه گذاری در بخش خصوصی



مبادرت نمود. طی سال ۱۹۷۲، صنایع مهم کشور اعم از ذوب آهن، فلزات، ابزار برقی، ماشین سازی، تراکتور سازی، صنایع شیمیایی، فرآورده های نفتی، سیمان سازی، ذخایر نفت، گاز و برق ملی شد.

۱- ذوب آهن

هنگام تشکیل حکومت پاکستان چندین کارخانه کوچک ذوب آهن با فعالیت و تولیدات محدود وجود داشت. تا اینکه طی سال ۱۹۷۳، با همکاری دولت شوروی سابق، کارخانه بزرگ ذوب آهن در بندر قاسم نزدیک شهر کراچی تأسیس گردید. در حال حاضر اکثر بخش های این کارخانه فعال است.

۲- ماشین سازی

کارخانه بزرگ ماشین سازی با همکاری دولت چین در شهرک تکسیلا حومه شهر راولپندی تأسیس گردیده است. تولیدات این کارخانه اغلب بر ماشین آلات و لوازم برقی و ابزار مهندسی مشتمل می گردد. واگن قطار، موتور ماشین آلات سنگین جاده سازی، ماشین آلات کارخانجات سیمان، شکر سازی، کود شیمیایی و فرآورده های نفتی از جمله تولیدات مهم این کارخانه به شمار می آید.

۳- اسلحه سازی

طی سال ۱۹۵۱، نخستین کارخانه اسلحه سازی پاکستان در پادگان (واه) حومه شهر راولپندی تأسیس گردید. بعدها کارخانه های دیگر تولید اسلحه در شهر واه تأسیس گردید که به تولید ابزار آلات غیر نظامی می پرداختند. صنعت ساخت سلاح های سبک پاکستان به مرحله خود کفایی رسیده و به صدور اسلحه به برخی از کشورهای اسلامی منتهی گردیده است.



۴- کشتی سازی

در کارخانه کشتی سازی بندر کراچی انواع کشتی های کوچک و بزرگ تولید میگردد. این تولیدات به کشورهای عربستان و امارات متحده عربی، ایران (کشتی های ماهیگیری) صادر می گردد. این کارخانه علاوه بر ساخت کشتی، از امکانات تعمیر و بازسازی کشتی نیز برخوردار است. در منطقه گدانی استان بلوچستان (سواحل دریای عمان) کشتی های بزرگ و کهنه اوراق شده و ورقه های آهن و فلزات آن در کارخانه های ذوب آهن و فولاد کشور مورد استفاده قرار می گیرد.

۵- پالایشگاه نفت

دو پالایشگاه نفت در شهرهای راولپندی و ملتان و دو پالایشگاه دیگر در شهر کراچی قرار دارند. در پالایشگاه ها نفت استخراج شده از چاه های شهرستان های اتک، چکوال و جهلم تصفیه می شود. طبق قرارداد منعقد شده میان دولتهای ایران و پاکستان طی سال ۱۹۹۴، پالایشگاه دیگری در شهر کراچی در دست تأسیس است.

۶- صنایع دستی

صنایع دستی پاکستان به لحاظ وجهه هنری در داخل و خارج از کشور از جایگاه ممتازی برخوردار است. از جمله صنایع دستی پاکستان میتوان به دگمه، شانه، میز و صندلی و مصنوعات چوبی، پارچه، رنگ رزی، پارچه، سوزن دوزی، زیورآلات، طناب، قالی و گلیم اشاره نمود. از جمله مهمترین مراکز صنایع دستی



کشور میتوان به کویت، کراچی، لارکاند، حیدرآباد، سکهر، بهاولپور، گجرات، لاهور، گوجرانوالا، سیالکوت، پیشاور، کوهات، ملتان، سوات، چنیوت، فیصل آباد، جیکب آباد و شتهه اشاره نمود.

بخش کشاورزی

کشاورزی مهمترین بخش اقتصاد پاکستان را تشکیل می دهد. جلگه سند علیا (استان پنجاب) و سند سفلی (استان سند)، در این کشور از جمله مناطق مهم و حاصل خیز جهان بشمار می آید. کشور پاکستان در زمینه تولید محصولات نظیر پنبه، برنج و نیشگر به خو کفایی رسیده است.

نقش کشاورزی در اقتصاد کشور

بیش از ۶۸ درصد مردم پاکستان در روستاها به سر برده و اغلب به کشاورزی اشتغال دارند. از این روی، اقتصاد کشور بر کشاورزی استوار است. بالغ بر ۵۵ درصد کل جمعیت کشور در بخش کشاورزی اشتغال داشته و ۲۹ درصد تولیدات ناخالص ملی، ۴/۲۶ درصد کل تولیدات داخلی و ۷۰ درصد صادرات کشور به محصولات و فرآورده های کشاورزی تعلق دارد. از جمله صنایع مهم کشور میتوان به صنایع پنبه پاک کنی، شتی کوبی، ریسندگی و بافندگی، پارچه بافی و برخی صنایع غذایی متکی به بخش کشاورزی اشاره نمود.



بخش صید و دامپروری

طبق آمار بدست آمده طی سالهای اخیر، کشور پاکستان از پیشرفت چشمگیری در زمینه دامداری و دامپروری برخوردار بوده است. از جمله عوامل این پیشرفت، میتوان از بهره گیری مناسب از علوفه، روشهای مدرن دامداری و دامپروری و اعطای وامهای دولتی بلند مدت کم بهره به دامداران کشور اشاره نمود.

۱- ماهیگیری

مهمترین منابع تجاری استانهای سندو بلوچستان ماهیگیری است. از این روی، در بلوچستان و سند و شهر بندری کراچی، بندر ماهیگیری احداث گردیده است. صنعت ماهیگیری ۲/۵ درصد کل صادرات کشور به ارزش ۲/۲ میلیارد روپیه را به خود اختصاص داده است. بالغ بر ۲۰۰ نوع ماهی آب شیرین و ۱۰۰۰ نوع ماهی دریایی از آبهای پاکستان صید می گردد. دریاچه های کشور به ویژه دریاچه های سد منگلا، تربیلا و دریاچه منجهر از جمله مراکز مهم ماهیگیری کشور به شمار می آیند.

۲- دام

دامهای پاکستان بر گاو میش، گاو، بز، گوسفند، شتر و طیور مشتمل می گردد. از جمله مهمترین تولیدات دامی کشور پاکستان میتوان از شیر، گوشت گوسفند، گوشت گاو و گوشت مرغ نام برد. در حال حاضر، میزان تولید کارخانه های شیر کشور به ۱۳ میلیون لیتر در روز بالغ می گردد و این در حالی است که ظرفیت میزان کل شیر تولیدی کشور ۴۰ میلیون لیتر در روز است.



ملاحظات علمی

طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۵، جمعیت بی سواد رده های سنی ۱۵ سال و بالاتر در کشور پاکستان بر ۴۸۶۹۳۰۰۰ نفر معادل ۶۲/۲٪ جمعیت کل کشور بالغ می گردد. طبق گزارشات بانک جهانی، در حال حاضر تنها نیمی از دانش آموزان واجد شرایط پاکستانی در مدارس ابتدایی حضور می یابند که این تعداد با عقب افتاده ترین کشورهای در حال توسعه، ۸۳٪ قابل مقایسه است. آمارهای رسمی گویای این حقیقت است که تنها ۲۴ درصد از جمعیت این کشور از نعمت خواندن و نوشتن برخوردار بوده و تنها ۴۹ درصد از افراد واجب التعلیم از برنامه های آموزش ابتدایی بهره برداری می نمایند. از هر ۱۰۰ شهروند پاکستانی نیز تنها ۱۶ نفر به آن دسترسی دارند. طبق آمار بدست آمده طی دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۷، نرخ فارغ التحصیلی دانش آموزان پسر از مدارس ابتدایی ۵۰ درصد و نرخ فارغ التحصیلی دانش آموزان دختر بیش از ۶۰ درصد می باشد.

تاریخچه آموزشی

پیش از ورود اسلام، سند (پاکستان کنونی) مهد تمدن های برهمایی و بودایی بود. با فتح سند روابط فرهنگی و علمی مردم این منطقه با مسلمانان ایران و اعراب برقرار شد. برخی از دانشمندان مسلمان به این سامان آمده و دانشمندان هندی به کشورهای اسلامی رفتند. (سدهات)؛ نخستین کتاب هندی است که بانام (السند هند) به عربی ترجمه شد. مدتی پس از ترجمه (سدهات) کتاب یونانی (مجسطی) نیز به عربی ترجمه شد. مسلمانان از هیئت هندی و یونانی استفاده کرده و به پیشرفت های چشمگیری دست یافتند. کتاب (کلیله و دمنه) در زمان ساسانیان از هندوستان به ایران آورده شده و توسط عبدالله بن مقفع به عربی ترجمه شد. کتاب دیگری به نام (یودسف)



و (بلوهر) نیز از سانسکریت به عربی ترجمه شد. بزرگترین اثر علمی در این دوره از هندوستان به کشور اسلامی انتقال یافت، اعداد هندسی است که بعدها با نام اعداد عربی به غرب منتقل شد و تاکنون رایج است. پیش از این مسلمانان، با حروف ابجد و غربی ها با اعداد رومی محاسبات را انجام می دادند. در این اثنا همچنین، کتب بودایی به عربی ترجمه شد. از جمله کتابهای دیگری که در این دوره به عربی ترجمه شد می توان از شناق (چنکیه) و یا (گهر) و (ادب الملک) نام برد. زبان اردو نیز در این دوره و با امتزاج زبان های عربی، فارسی، سانسکریت و سایر زبان های محلی شکل گرفت و کم کم زبانی بوجود آمد که بعدها یکی از زبان های مهم شبه قاره محسوب گردید.

جمعیت

نقش زنان در ترکیب جمعیتی

امروزه زنان پاکستان در ترکیب جمعیتی کشورشان چه از جهت کمیت و چه از نقطه نظر کیفیت، جایگاه خاصی را کسب نموده و بیش از گذشته در فعالیت های مختلف اجتماعی و بخصوص در بخش های سیاسی به چشم می آیند. هرچند که هنوز برای رسیدن به آزادی کامل اجتماعی فاصله فراوانی دارند، اما در مسائل سیاسی تمامی زنان از حقوق مساوی در دادن رأی با مردان برخوردارند. در انتخابات عمومی سال ۱۹۷۰، ۶۰ درصد از زنان داوطلب به پای صندوق های رأی رفتند. در قانون اساسی جدید مصوب سال ۱۹۷۳ تعداد ۱۰ کرسی در مجلس برای دوره ۲ ساله به زنان اختصاص یافت. در مجالس ایالتی نیز شماری از کرسیها برای زنان در نظر گرفته شده اند. زنان از حقوق سیاسی بسیاری برخوردار می باشند.



در برخی از انتخابات زنان بیشتر از مردان رأی داده اند. شماری از زنان به صورت شخصیت های مهم سیاسی جلوه گر شده اند. (رانه لیاقت علی خان) از رهبران جنبش های زنان در مقام فرماندار استان سند، به عنوان اولین استاندار زن خدمت کرده است. (بیگم انور احمد) نیز عهده دار ریاست کمیسیون پایگاه اجتماعی زنان سازمان ملل بوده است. (فاطمه جناح) نیز خواهر بنیانگذار پاکستان بود که در سال ۱۹۶۷ درگذشت. (خانم جناح) رئیس رفاه حال آوارگان و آموزش پزشکی زنان، کار عمیق و ارزشمند برادر خود در قبال خلق پاکستان را ادامه داد. شهروندان پاکستانی از خانم جناح تحت عنوان (مادر ملت) یاد می نمایند.

رشد جمعیت

جمعیت پاکستان طی سال ۱۹۷۷، به ۷۵ میلیون نفر و طی سال ۱۹۹۵، به ۱۲۸ میلیون نفر بالغ می گردید و این درحالیست که این میزان طی سال ۲۰۰۲، به ۱۵۳/۱۲۴/۸۰۰ میلیون نفر (نهمین کشور پرجمعیت جهان) بالغ می گردد. به طور کلی می توان گفت که در سال میزان ۳ درصد به جمعیت کشور افزوده می گردد. طبق آمار سال ۱۹۹۴، ۸۲/۲۵ میلیون نفر معادل ۶۸/۵ درصد از جمعیت کشور در روستاها و ۳۹/۲ میلیون نفر معادل ۳۱/۵ درصد در شهرها به سر می برند. در حال حاضر پرجمعیت ترین شهر پاکستان، شهر بندری کراچی با جمعیتی بالغ بر ۱۰ میلیون نفر است که از پرجمعیت ترین شهرهای جهان به شمار می رود.



مهاجرت

صرفنظر از مسلمانان پاکستان قریب ۱۰ میلیون از مسلمانان هند نیز در بدو تأسیس پاکستان به این سرزمین پناهنده شدند که این مساله برای کشور جوانی چون پاکستان مشکل بزرگ و طاقت فرسا به شمار می آمد. مهاجرین تازه وارد که چون سیل به پاکستان سرازیر شده بودند، از مسکن و کلیه تسهیلات زندگی محروم بودند. تقسیم بنگال با وجود مشکلات فراوان صورت گرفت. در پنجاب عده زیادی از طایفه سیک ها زندگی می کردند که حاضر به رها کردن دارایی خود نبودند، لذا میان آنان و مسلمانان اختلافات شدیدی بروز نمود. تا پایان سال ۱۹۴۸، قریب ۶/۷ میلیون نفر مسلمان وارد پاکستان شده و ۵/۶ میلیون هندو از آن خارج شدند. بدین ترتیب، بیش از ۱ میلیون نفر به جمعیت پاکستان افزوده شد. گفتنیست که اکثریت این جمعیت، کشاورز بودند. با وقوع کودتای مارکسیستی در افغانستان و حمله شوروی سابق به این کشور در اواخر سال ۱۹۷۹، سیل مهاجرین افغانی به کشور پاکستان روان شد. در این میان پاکستان با پذیرش بیش از ۲/۵ میلیون مهاجر افغان که بیشتر سنی مذهب بودند، سهم زیادی از مهاجرین را پذیرا شد. مهاجرت کارگران پاکستانی به کشور خود به بروز سری مسائل و مشکلات موثر بر ساختار خانواده ها و در مقیاس بزرگتر بر روی نهادهای اجتماعی منتهی گردید. یکی از این مسایل تبدیل شکل سنتی اداره خانواده ها از پدر سالاری به مادر سالاری است. این پدیده جدید، اغلب در جوامع روستایی ایالت پنجاب پاکستان مشهودتر بوده است. این پدیده در خصوص افرادی که به اروپا و آمریکا سفر کرده اند مصداق نمی یابد، چرا که افراد متمول از امکان همراهی یا ملاقات با خانواده های خود برخوردار می باشند. این در حالیست که هزینه سنگین زندگی در خاورمیانه کارگران فقیر را وادار می کند تا به تنهایی در این کشورها بکار مشغول شوند



و سالی یک بار یا برخی هر ۲ سال یک بار برای دیدن خانواده های خود به زادگاه خود بازگردند. مهاجرت از روستاهای پاکستان به شهرها و جوامع بزرگتر نیز به گونه ای دائمی و یا فصلی افزایش یافته است. در این صورت نیز زنان و کودکان به دلایل اجتماعی در روستاها باقی مانده و پیرمردان نیز به نگهداری از خانواده ها مبادرت می نمایند. با نبود پدر در بیشتر روزهای سال دهکده ها با نوعی (غیبت پدری) مشخص و متمایز میگردند. از این روی، بخش بزرگی از دهکده به مادر به عنوان چهره اصلی خانواده تکیه دارند چراکه فرزندان بسختی می توانند پدری را که نمی بینند به عنوان چهره اصلی و یا تکیه گاه خانوادگی خود تلقی کنند. قدرت مادر در خانواده ها بقدری افزایش یافته است که در برخی از مواقع پدر خود را عاجز از اعمال کنترل گذشته خود می بیند. طبق بررسی به عمل آمده طی سال ۱۹۸۰، زنان خانه داری که شوهرانشان به خاورمیانه رفته و در آنجا بکار مشغولند، کارهایی را به عهده گرفته اند که در حال عادی حاضر به انجام آن نبوده اند. در مجموع میتوان اظهار داشت که پیشرفت سریع پاکستان به سوی غرب گرایی و وابستگی شدید سیاسی، اقتصادی و نظامی به جهان سرمایه داری، به جایگزینی هرچه بیشتر مادیات به عوض معنویات در روابط اجتماعی علی الخصوص در روابط خانواده ها منجر گردیده است.

زبان

مشترکات زبانی دیرینه ای میان کشورهای ایران و پاکستان وجود دارد، چراکه از آغاز قرن پنجم تا قرن سیزدهم در شبه قاره هند (که این سرزمین تا سال ۱۹۴۷ جزئی از آن به شمار می آمد)، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی قلمداد گردیده و کتب زیادی به زبان فارسی نگارش یافت. از دیگر سوی، دپارتمان زبان فارسی دانشگاه پنجاب طی سال ۱۸۷۰، به منظور تدریس زبان فارسی تا سطح کارشناسی ارشد تأسیس گردید. زبان رسمی شبه



قاره هند بین سالهای ۱۸۵۷-۱۰۰۰ فارسی بوده است. با ورود انگلیسی ها به منطقه زبان انگلیسی به تدریج جایگزین زبان فارسی شده و در بخش های اداری و مراکز و مقاطع آموزشی رایج گردید. پس از استقلال این کشور، طبق قانون اساسی، زبان رسمی و ملی کشور، زبان اردو اعلام گردید. لیکن تاکنون این زبان در برخی از مقاطع آموزشی و اداری همچنان جایگزین زبان انگلیسی نگردیده است. زبان آموزشی در مقاطع ابتدایی و متوسطه زبان اردو و زبان علمی و دانشگاهی انگلیسی است. زبان اردو ترکیبی از زبانهای فارسی حدود ۵۰ درصد عربی، ترکی، انگلیسی و سانسکریت است. در حال حاضر ۳۲ زبان و لهجه و گویش در کشور پاکستان رایج می باشد که از جمله مهمترین آنها می توان به زبان بلوچی، پنجابی، سندھی، سرابییگی و پشتو اشاره نمود.

سیاستهای آموزشی

از سال ۱۹۷۲، با طراحی برنامه آموزش همگانی توسط نخست وزیر، اولویت خاصی به سوادآموزی همگانی و برخورداری کلیه شهروندان از امکانات تحصیلی یکسان معطوف گردیده است. اما برای دست یابی به چنین امکاناتی سال ها وقت لازم است. در پاکستان هزاران مدرسه ابتدایی وجود داشته و هزاران مدرسه دیگر نیز توسط دولت به این تعداد افزوده گردیده است. سیاست اصلی آموزش کشور به برطرف سازی کمبود تعداد معلم تمرکز یافته است چراکه بسیاری از مدارس ابتدایی تنها به مسجد روستاها متصل بوده و از هیچ معلمی جز امام یا روحانی برخوردار نمی باشند. برخی از خانواده های روستایی نیز از حضور فرزندان خود در مدارس خودداری می نمایند. از جمله مهمترین سیاستهای آموزشی دولت پاکستان می توان به موارد ذیل اشاره نمود:



- ۱- برقراری نظام آموزشی لیبرال دمکراتیک برپایه پلورالیسم سیاسی، رفاه اجتماعی، رفع تبعیض ملی، فرهنگی، مذهبی، جنسی و نژادی
- ۲- کاربرد زبان اردو بعنوان زبان رسمی و ارتباطی مراکز آموزشی کشور
- ۳- تأمین آزادی بیان، قلم، اندیشه و آزادی تشکلهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و صنفی
- ۴- برقراری همکاری و همیاری های آموزشی میان اقوام مختلف کشور با توجه به برقراری احترام متقابل، برابری ملی و همزیستی مسالمت آمیز میان این اقوام
- ۵- برقراری همکاریهای آموزشی با ملتهای همجوار و سایر کشورها بر مبنای مصوبات سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر
- ۶- احترام به سرمایه گذاران بخش خصوصی آموزش و برقراری اقتصاد آزاد در این حوزه
- ۷- فراهم سازی امکانات آموزشی، پرورشی و تفریحاتی برای نوجوانان و جوانان
- ۸- تاسیس اتحادیه ها و انجمن های دانشجویی و دانش آموزی
- ۹- تشویق شهروندان پاکستانی به تحصیل به زبان اردو از دوره ابتدایی تا سطح عالی
این در حالیست که در مناطقی که اکثریت مردم به زبانهای دیگری به عوض زبان اردو تکلم می نمایند، زبان اکثریت بعنوان زبان آموزشی مد نظر قرار می گیرد.
- ۱۰- گسترش برنامه های آموزش زبانهای ارتباطی بین المللی از سطح ابتدایی
- ۱۱- ریشه کن سازی بیسوادی
- ۱۲- احداث تأسیسات ورزشی و تربیتی در مراکز سطوح مختلف آموزشی با کیفیت مناسب
- ۱۳- اجباری و رایگان سازی برنامه های آموزش پایه تا پایان دوره تکمیلی متوسطه



سیاستهای آموزشی دهه ۱۹۹۰

از جمله مهمترین سیاستهای آموزشی پاکستان طی دهه ۱۹۹۰، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- خصوصی سازی مدارس ملی شده طی دهه ۱۹۷۰

۲- بهره گیری مجدد از زبان انگلیسی به عنوان زبان تدریس در برخی از مدارس خصوصی

۳- لغو قانون تدریس اجباری زبان اردو مصوب سال ۱۹۷۰

۴- تأکید مداوم بر مطالعه علوم اسلامی و تاریخ ملی در برنامه های آموزشی

۵- حضور فرزندان طبقات پایین جامعه در مدارس خصوصی از دهه ۱۹۹۰

تا اواخر دهه ۱۹۷۰، بخش زیادی از بودجه آموزش و پرورش صرف تأمین مخارج تحصیل طبقات متوسط و مرفه جامعه می گردید. در دوره استعمار، آموزش و پرورش در زمینه خدمت به استعمارگران و تأمین منافع طبقات حاکم قرار داشت. در حال حاضر نیز علی رغم اقدامات اصلاحی صورت گرفته، این ویژگی در حوزه آموزش و پرورش کشور مشاهده می گردد. اگرچه از دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۱۹۹۰، فرزندان طبقات پایین جامعه به مدارس خصوصی راه یافتند، اما طبق اظهارات آموزگاران و مدیران، کیفیت برنامه های آموزشی کاهش یافت. همچنین بنظر می رسد که در حال حاضر، بیش از سابق تعدادی از فرزندان افراد طبقات مرفه جامعه برای تحصیلات دانشگاهی حتی به منظور احراز دیپلم متوسطه به خارج از کشور مهاجرت می



نمایند. بهره مندی تعداد بیشتری از مردم از سواد موجب شده است که طبقه کارگر در جهت نیل به برخی از خواسته های طبقه متوسط از جمله برخورداری از اتومبیل و دادن جهیزیه به دختران خود تلاش نمایند.

۶- تجهیز مدارس ویژه دختران و زنان، به امکانات خوابگاهی در جهت برخورداری آنان از امنیت

۷- افزایش تعداد مدارس فنی، دانشکده های بازرگانی و پلی تکنیک در جهت حل مسئله بیکاری از

اوائل دهه ۱۹۸۰

۸- افزایش توسعه آموزش حرفه ای کشور از سال ۱۹۹۴

ساختار آموزشی

ساختار آموزشی پاکستان به دو سطح آموزش پیش دانشگاهی و آموزش عالی به شرح ذیل قابل تقسیم

است :

۱- آموزش پیش دبستانی

۲- آموزش ابتدایی مشتمل بر پایه های اول تا پنجم

۳- آموزش مقدماتی متوسطه مشتمل بر پایه های ششم تا هشتم

۴- آموزش تکمیلی متوسطه مشتمل بر پایه های نهم تا دهم

۵- آموزش کاردانی مشتمل بر پایه های یازدهم تا دوازدهم



۶- آموزش کارشناسی

۷- آموزش کارشناسی ارشد

۸- آموزش دکتری

آموزش پیش دانشگاهی

ساختار آموزشی

تحصیلات ابتدایی طی دوره ۵ ساله (Grades ۱-۵) از سن ۵ سالگی آغاز می گردد. سپس دانش آموزان وارد دوره آموزشی دو مرحله ای مشتمل بر مرحله اول (Grades ۶-۸) و مرحله دوم (Grades ۹-۱۰) می گردند. نهایتاً در پایان دوره های مذکور و پس از گذراندن آزمونهای دوره ۱۰ ساله، گواهینامه Secondary School Certificate (SSC) به فارغ التحصیلان اعطا میگردد. پس از دریافت گواهی مذکور، دانش آموزان از مجوز ورود مستقیم به کالجهای وابسته به دانشگاهها و احراز مدرک (Bachelor Degree) پس از ۴ سال تحصیل برخوردار می گردند. علاوه بر این، با گذراندن دوره پیش دانشگاهی ۲ ساله (Grades ۱۱-۱۲) گواهینامه (SSC) به فارغ التحصیلان اعطا می گردد. در مجموع دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی، پس از ۱۲ سال تحصیل با شرکت در آزمونهای نهایی با دریافت مدرک دیپلم متوسطه (Higher Secondary Certificate (HSC) به آزمودن شانس خود جهت ورود به دانشگاه می پردازند.



آموزش پیش دبستانی

مقطع آموزش پیش دبستانی در کشور پاکستان مدت زمان ۶ ماه به طول انجامیده و از سن ۵ سالگی آغاز می گردد. گفتنی است که کلیه برنامه های آموزشی و مراقبتی مراکز آموزش پیش دبستانی کشور پاکستان به صورت اجباری و رایگان به کلیه کودکان پاکستانی ارائه می گردد. مهد کودک از جمله اولین مکان های آموزشی کشور پاکستان به شمار می آید که کودکان را جهت آموزش و تربیت بدانجا می سپارند. پس از مهد کودک دوره آمادگی است، این مرحله از مراحل آموزش بمدت ۱ سال برای کودکانی که قصد ورود به مقطع ابتدایی را دارند در کودکانها ارائه می گردد. گذراندن دوره آمادگی برای کودکان بین رده های سنی ۴ تا ۵ سال که قصد ورود به مقطع ابتدایی را دارند، الزامی است. چراکه والدین کودکان به هنگام ثبت نام کودکان خود در مدارس ابتدایی، ملزم به ارائه مدرک قبولی دوره آمادگی فرزند خود را می باشند. هدف از گذراندن این دوره، آشنایی کودکان با دروس، ضوابط، شرایط مدرسه و همچنین تقویت و پرورش قابلیت های فکری و روحی و اجتماعی آنان و نهایتا آماده سازی کودکان جهت ورود به مقطع آموزش ابتدایی است.

آموزش پایه

تحصیلات اجباری (آموزش پایه) بره ۱۰/۵ سال تحصیلی (مقاطع پیش دبستانی تا مقطع تکمیلی متوسطه) مشتمل می گردد.



آموزش ابتدایی

ساختار آموزش ابتدایی

سال تحصیلی	تعداد مدارس	تعداد کل کودکان ثبت نامی	نرخ دختران ثبت نامی	تعداد کل معلمان	نرخ معلمان زن
۱۹۹۰	۱۱۰۵۲۲	۱۰۴۰۰۰۰۰	۳۳۴۲۰۰۰	۲۶۰۹۰۰	۸۴۵۰۰
۱۹۹۱	۱۱۴۱۴۲	۱۰۹۳۷۰۰۰	۳۶۷۵۰۰۰	۲۷۷۸۰۰	۹۲۷۰۰
۱۹۹۲	۱۱۲۳۷۹	۱۰۷۳۶۰۰۰	۳۷۱۴۰۰۰	۲۹۳۵۰۰	۹۴۹۰۰
۱۹۹۳	۱۳۰۵۹۶	۱۲۷۲۶۰۰۰	۴۵۹۶۰۰۰	۲۹۹۰۰۰	۶۹۳۰۰
۱۹۹۴	۱۳۴۰۶۰	۱۳۲۸۸۰۰۰	۵۰۵۵۰۰۰	۳۲۲۰۰۰	۱۰۹۶۰۰
۱۹۹۵	۱۳۹۶۳۴	۱۴۲۶۴۰۰۰	۵۶۳۸۰۰۰	۳۳۴۰۰۰	۱۱۴۵۰۰
۱۹۹۶	۱۴۳۱۳۰	۱۴۵۲۷۰۰۰	۵۷۰۲۰۰۰	۳۳۱۰۰۰	۱۰۹۳۰۰
۱۹۹۷	۱۵۰۹۶۳	۱۵۵۵۳۰۰۰	۶۳۱۲۰۰۰	۳۳۹۵۰۰	۱۱۲۶۰۰

برنامه های آموزشی

از جمله مهمترین برنامه های آموزشی مقطع آموزش ابتدایی میتوان به دروس زبان اول، زبان دوم، ریاضیات، علوم اخلاقی و اسلامی، فیزیک، علوم، هنر، علوم اجتماعی، زبان فارسی پشتو و فرهنگ پاکستانی، کار عملی و طرح درختی اشاره نمود. گفتنی است که مدت زمان ارائه هفتگی دروس آموزشی مقطع ابتدایی بردوره های آموزشی روز کاری کامل (۴ ساعت و ۴۰ دقیقه طی ۷ جلسه آموزشی و نصف روز شامل ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه طی ۴ جلسه آموزشی) مشتمل می گردد. گفتنی است که مدت زمان ارائه هفتگی دروس آموزشی



مقطع مقدماتی متوسطه بردوره های آموزشی ۵ روز کاری کامل (۵ ساعت و ۲۰ دقیقه طی ۷ جلسه آموزشی و

جلسات نصف روزه شامل ۲ ساعت و ۲۰ دقیقه طی ۴ جلسه آموزشی) مشتمل می گردد. کل دوره های هفتگی

آموزشی بر ۴۵ هفته آموزشی مشتمل می گردد.

برنامه های آموزشی پایه بنا به پایه های تحصیلی

	ماده درسی		پایه های ۱ و ۲	پایه ۳	پایه های ۴ و ۵
	تعداد جلسات هفتگی	تعداد ساعات هفتگی	تعداد ساعات هفتگی	تعداد جلسات هفتگی	تعداد ساعات هفتگی
زبان اول	-	-	-	۶	۴
شنیدن و صحبت کردن	۹	۲	۳	-	-
خواندن	۱۲	۸	۹	-	-
نوشتن	۶	۴	۶	-	-
زبان دوم	-	-	۶	۶	۴
ریاضیات	۹	۶	۶	۴	۶
علوم اسلامی	۲	۱/۲۰	۳	۴	۶
تربیت بدنی	۳	۲	۳	۲	۳
علوم	-	-	-	۳/۲۰	۵
علوم اجتماعی و فرهنگ پاکستانی	-	-	-	۳/۴۰	۴
علوم هنری	-	-	-	۲	۳
کار عملی / طرح درختی	-	-	-	۰/۴۰	۱
جمع	۳۹	۲۶	۳۹	۴۰	۲۶/۴۰



افت تحصیلی

بالاترین نرخ افت تحصیلی مقطع ابتدایی در کلاسهای اول و دوم می باشد. ۲۵٪ پسران و ۴۰٪ دختران پیش از ورود به کلاس دوم ابتدایی، مبادرت به ترک تحصیل می نمایند. نرخ افت تحصیلی در سطح شهری ۳۲٪ و در مناطق روستایی ۵۹٪ می باشد. نرخ افت تحصیلی مردان روستایی ۵۴٪ و نرخ افت مردان شهری ۲۶٪ می باشد. در مقایسه نرخ افت مردان، نرخ افت زنان روستایی ۶۷٪ و زنان شهری ۳۸٪ می باشد. نرخ افت تحصیلی افراد در استانهای کشور بسیار بالا است. در منطقه پنجاب نرخ افت روستایی ۵۴٪ و شهری ۴۷٪ است. در منطقه سند نیز نرخ افت تحصیلی افراد روستایی بر ۷۵٪ و نرخ افت تحصیلی افراد شهری بر ۴۰٪ بالغ می گردید. در منطقه NWFP نیز، نرخ افت تحصیلی افراد روستایی بر ۷۲٪ و افراد شهری بر ۶۳٪ بالغ می گردد. در منطقه بلوچستان نیز نرخ افت تحصیلی افراد روستایی بر ۷۸٪ و نرخ ترک تحصیل افراد شهری بر ۶۸٪ بالغ می گردد.

آموزش متوسطه

تاریخچه

نخستین مدارس متوسطه پاکستان توسط بریتانیایی ها یا مبلغان مذهبی آمریکایی دایر گردید. مدرسه پسرانه اشراف زادگان لاهور، کالج نخبگان (پیشین) و کالج ایچی سن (فعلی)، توسط بریتانیایی ها به منظور آموزش شاهزادگان هندی-پاکستانی و فرزندان ذکور کارمندان دولت تأسیس گردید. اندکی بعد مراکز مشابهی با عنوان کالج ملکه ماری برای اشراف زادگان دختر دایر گردید. مراکز آموزشی نیمه دولتی ایچی سن و ملکه ماری که تا حدودی مشابه مدارس خصوصی بوده و شهریه تحصیلی دریافت می نمایند، به ارائه آموزش متوسطه به دانش آموزان سطوح



مختلف جامعه اعم از دانش آموزان کم بضاعت مبادرت می نمایند. در حال حاضر دولت برای دانش آموزان با استعدادی که توانایی پرداخت شهریه ندارند با کمک افراد متمولی که بر تحصیل دانش آموزان اصرار می ورزند فرصت تحصیلات رایگان فراهم ساخته است.

ساختار آموزشی

آموزش متوسطه از ۲ مرحله به شرح ذیل متشکل می گردد :

مرحله مقدماتی متوسطه

این بخش از آموزش پس از استقلال رشد بسیار زیادی داشته است. با رشد این دوره که با عنوان دوره آماده سازی دانش آموزان جهت ورود به کالج از آن یاد می گردد، تحولی عمیق در ایجاد کالج های جدید و افزایش آموزش های فنی صورت گرفته است.

مقطع پیش دانشگاهی (آموزش تکمیلی متوسطه)

آموزش متوسطه دارای گروه تحصیلی علوم انسانی، گروه آمادگی مهندسی و گروه آمادگی پزشکی است. از جمله مهمترین دروسی که در گروه علوم انسانی تدریس میگردد میتوان به دروس تاریخ، علوم اجتماعی، جغرافیا، روانشناسی، اقتصاد، انگلیسی، زباناردو، فارسی، عربی، پنجابیو... اشاره نمود.

در حقیقت، مرحله پیش دانشگاهی آموزش متوسطه، مرحله مقدماتی جهت ورود به مقطع آموزش عالی است.



آموزش مقدماتی متوسطه

ساختار آموزشی

سال تحصیلی	تعداد مدارس	تعداد کل دانش آموزان ثبت نامی	تعداد دختران ثبت نامی	تعداد کل معلمان	تعداد معلمان زن
۱۹۹۰	۱۵۲۳۴	۳۵۱۹۰۰۰	۱۰۳۵۰۰۰	۲۱۰۲۰۰	۶۹۱۰۰
۱۹۹۱	۱۶۹۷۱	۳۸۲۵۰۰۰	۱۱۲۸۰۰۰	۲۳۶۶۰۰	۷۵۹۰۰
۱۹۹۲	۱۷۴۱۵	۴۰۶۰۰۰۰	۱۱۵۳۰۰۰	۲۴۴۵۰۰	۷۹۳۰۰
۱۹۹۳	۲۰۵۳۲	۴۲۰۸۰۰۰	۱۳۵۱۰۰۰	۱۹۵۴۰۰	۷۰۰۰۰
۱۹۹۴	۲۱۳۰۷	۴۶۱۰۰۰۰	۱۵۴۴۰۰۰	۲۵۱۲۰۰	۹۵۲۰۰
۱۹۹۵	۲۲۰۸۹	۵۳۴۱۰۰۰	۱۸۶۱۰۰۰	۲۶۲۲۰۰	۱۰۴۱۰۰
۱۹۹۶	۲۲۸۷۲	۵۰۵۳۰۰۰	۱۷۵۰۰۰۰	۲۵۴۳۰۰	۸۶۶۰۰
۱۹۹۷	۲۴۴۰۳	۵۳۰۲۰۰۰	۱۹۳۲۰۰۰	۲۵۶۴۰۰	۸۸۵۰۰

برنامه های آموزشی

مقطع آموزش مقدماتی متوسطه برسالهای آموزشی ۸-۷-۶ مشتمل گردیده و به صورت رایگان و

اجباری ارائه می گردد. از جمله مهمترین برنامه های آموزشی مقطع مقدماتی متوسطه میتوان به زبانهای اول و دوم

طی ۶ جلسه هفتگی، ریاضیات طی ۴ جلسه هفتگی، علوم طی ۳ جلسه هفتگی، علوم اجتماعی طی ۳ جلسه

هفتگی، آموزش بهداشتی و فردی طی ۶ جلسه هفتگی، علوم اسلامی و اخلاقی ۴ جلسه هفتگی، تئاتر، زبان

فارسی، کشاورزی و علوم فنی طی ۶ جلسه هفتگی، کار عملی و طرح درختی طی ۱ جلسه هفتگی اشاره نمود. زبان

آموزشی این مقطع زبان انگلیسی اجباری است.



موضوعات آموزشی	تعداد جلسات هفتگی	کل مدت زمان
زبانهای اول و دوم		
زبان اول	۶	۱۳/۳۳
زبان دوم	۴	۸/۸۸
زبان انگلیسی اجباری	۶	۱۳/۱۳
زبان عربی	۳	۶/۶۷
ریاضیات	۴	۸/۸۸
علوم	۳	۶/۶۶
علوم اجتماعی	۳	۶/۶۶
آموزش بهداشتی و فردی	۳	۶/۶۶
آموزش اسلامی و اخلاقی	۴	۸/۸۸
طراحی، زبان فارسی، کشاورزی و علوم فنی	۶	۱۳/۳۳
طرح درختی و کار عملی	۱	۲/۲۲

اصلاحات آموزشی

از جمله مهمترین اصلاحات اعمال گردیده بر ساختار آموزش مقدماتی متوسطه پس از استقلال کشور،

می توان به موارد ذیل اشاره نمود :

اعمال تحولات کمی و کیفی در ساختار آموزشی



تاسیس مدارس راهنمایی جدید

بازبینی و تجدید نظر برنامه های درسی

تالیف کتب درسی مطابق با متد پیشرفته روز

تدارک امکانات آموزشی بسیار محدود برای مدارس

مقطع تکمیلی متوسطه

مقطع تکمیلی متوسطه خود بر ۲ مرحله کلاسهای ۹ و ۱۰ و کلاسهای ۱۱ و ۱۲ مشتمل میگردد. مقطع

آموزشی فوق، اجباری و غیر رایگان است. زبان آموزشی این مقطع آموزشی، زبان اجباری اردو است.

سطح آموزشی	۱۹۹۶-۹۷	۲۰۰۱-۲۰۰۲
نرخ حضور افراد در سطح مقدماتی متوسطه	٪۲۹/۷	٪۴۸/۸
نرخ حضور افراد در سطح تکمیلی متوسطه	٪۱۰	٪۲۰
تعداد مدارس مقطع مقدماتی متوسطه	۱۴۵۹۵	۲۹۰۹۰
تعداد معلمان مقطع مقدماتی متوسطه	۹۵۸۰۰	۱۲۵۲۸۰
تعداد مدارس مقطع تکمیلی متوسطه	۹۸۱۰	۱۹۴۱۰
تعداد معلمان مقطع تکمیلی متوسطه	۱۶۰۶۰۰	۲۱۳۳۱۰



برنامه های آموزشی

Set ۱	Set ۲	Set ۳
روانشناسی	آمار	ریاضیات-۱
جغرافیا	آمار	ریاضیات-۲
جغرافیا	آمار	اقتصاد-۳
مدنی	دروس اسلامی	اقتصاد-۴
مدنی	دروس اسلامی	تاریخ-۵
زبانهای عربی / فارسی	دروس اسلامی	تاریخ-۶
روانشناسی	دروس اسلامی	اقتصاد-۷
زبانهای عربی پیشرفته و اردو	آموزش سلامت و بهداشت	دروس اسلامی-۸
مدنی	تاریخ	علوم آزمایشگاهی-۹

آمار تحصیلی

طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۱، تعداد ۱۱۹۷۸ باب مدرسه متوسطه، تعداد ۱۵۴۸۰۲ دبیر متوسطه و تعداد ۲۹۹۵۰۰۰ نفر دانش آموز دبیرستانی وجود داشت. نسبت دانش آموزان دبیرستانی به معلمین نیز به نسبت ۱۹ دانش آموز به ۱ معلم بوده است. میزان فارغ التحصیلان مدارس متوسطه از ۲۲ درصد طی سال ۱۹۷۶، به ۳۳ درصد طی سال ۱۹۸۳، افزایش یافت. با این حال در آغاز دهه سال ۱۹۸۰، تغییر قابل ملاحظه ای در میزان فارغ التحصیلان مدارس متوسطه صورت گرفت و این در حالی است که طی سال ۱۹۷۵، فارغ التحصیلان دختر و پسر از نسبت یکسانی برخوردار بود. در سال ۱۹۷۹ که دولت به اجرای برنامه اسلامی سازی مبادرت



نمود، نرخ فارغ التحصیلان پسر ۲۵ درصد و نرخ فارغ التحصیلان دختر تنها ۱۶ درصد بود. طی سال ۱۹۹۳، این روند با تغییر بسیاری روبرو گردیده و نرخ فارغ التحصیلان پسر به ۷ درصد و نرخ فارغ التحصیلان دختر به ۱۵ درصد بالغ گردید.

آموزش عالی

سیاستهای آموزشی پیش از استقلال

با توجه به سیاست استعمار طی سال های پیش از استقلال، آموزش عالی در این کشور از اهمیت شایان توجهی برخوردار بوده است چرا که یکی از جمله مهمترین عوامل تثبیت موقعیت استعمار، آموزش عالی بوده و افرادی که در این سیستم پرورش می یافتند، در خدمت اهداف استعمار در آمده و یا زمینه حکومت جابرا نه آنان را تسهیل می نمودند.

ساختار آموزشی

جهت ورود به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی پاکستان، برخورداری از مدرک دیپلم متوسطه Intermediate Certificate و یا (HSC) الزامی است. علاوه بر این، برخورداری از معدل بسیار بالا شرط ورود به دانشگاههای ممتاز در رشته های مهندسی و پزشکی می باشد. نظام تحصیلی در اکثر دانشگاههای پاکستان بر سیستم تحصیل سالیانه و نیمسالی استوار می باشد. در نظام آموزشی (Carry Over) ارتقاء تحصیلی به مقاطع بالاتر آموزشی علیرغم مردودی در چند درس از دروس سالهای پیش امکان پذیر است.



مقاطع تحصیلی

۱- مقطع (Bachelor) مشتمل بر ۲ سال تحصیل پس از احراز دیپلم متوسطه و یا ۴ سال تحصیل پس از گذراندن

دوره ۱۰ ساله آموزش متوسطه (Matriculation) و یا (SSC)

گفتنی است که این دوره آموزشی عمدتاً در کالج‌های وابسته به دانشگاه‌ها ارائه می‌گردد.

۲- مقطع (Bachelor) مشتمل بر آموزش ۵-۴ ساله در دانشگاه‌های معتبر پس از دیپلم متوسطه

(Intermediate Certificate) و یا (HSC)

۳- مقطع Master مشتمل بر ۲ سال تحصیل بصورت آموزشی و تحقیقاتی در رشته‌های مختلف به شرط

گذراندن مقطع Bachelor در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی معتبر

۴- مقطع M.Phil که در قالب آموزش ۲ ساله پس از احراز مدرک تحصیلی Master ارائه می‌گردد.

۵- مقطع PhD که در قالب دوره آموزشی ۳ ساله و انجام تحقیقات پس از مقطع Master ارائه می‌گردد.

۶- مقاطع (Doctor of Law (LL.D), Doctor of Science (D.SC), Doctor of Literature)

(D.Litt) در قالب آموزش ۷-۵ ساله پس از Master

پذیرش تحصیلی

آزمون ورودی دانشگاه‌ها توسط سازمان آموزش متوسطه برگزار می‌گردد که دانش‌آموزانی که قصد رفتن به

دانشگاه را دارند، از مجوز شرکت در آن برخوردار می‌باشند. گزینش دانشجویان براساس نمرات نهایی



آنان (از ۳۳ تا ۱۰۰) صورت می گیرد. لازم به ذکر است که سیستم ورودی دانشگاه های پاکستان مشابه سیستم کشور انگلستان است.

ارزشیابی مدارک تحصیلی

۱- مدرک Bachelor با ۲ سال تحصیل صادره از کلیه کالجهای وابسته به دانشگاه در صورت برخورداری از

دوره ۱۰ ساله متوسطه، معادل دیپلم متوسطه

۲- مدرک Bachelor با دو تاسه سال تحصیل، صادره از دانشگاهها در صورت برخورداری از دیپلم متوسطه

به عنوان مدرک کاردانی ارزشیابی می گردد.

۳- مدرک Bachelor با دوره آموزشی ۴ تا ۵ ساله از دانشگاههای گروه ۱ و ۲ در صورت برخورداری از دیپلم

متوسطه، تحت عنوان مدرک کارشناسی ارزشیابی می گردد.

۴- مدرک Bachelor با ۲ سال تحصیل صادره از دانشگاهها و مدرک Master در مجموع تحت عنوان

کارشناسی ارزشیابی می گردد.

۵- مدرک Master با ۲ سال تحصیل صادره از دانشگاههای گروه ۱ و ۲ با شرط برخورداری از مدرک کارشناسی

(موضوع بند ۳) تحت عنوان کارشناسی ارشد ارزشیابی می گردد.

۶- مدرک M.Phil با شرط برخورداری از مدرک کارشناسی تحت عنوان کارشناسی ارشد ارزشیابی می

گردد. برای دارندگان مدارک M.Phil پس از کارشناسی ارشد تنها مدرک تاییدیه دوره صادر می گردد.



۷- مدرک PhD. از دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی گروه ۱۵ با شرط برخورداری از مدرک کارشناسی ارشد در رشته مربوطه، تحت عنوان دکتری ارزشیابی می گردد.

۸- تحصیل در کالجهای وابسته به دانشگاه، تحصیلات مکاتبه ای (Correspondence) متفرقه (External Evening) و خصوصی (Private) قابل ارزشیابی نمی باشد.

۹- مدارک آن دسته از دانش آموختگانی که طول مدت تحصیل آنان بیش از ۲ برابر دوره های رسمی آموزشی است، ارزشیابی نگردیده و تنها مدرک تاییدیه دوره صادر می گردد.

دانشگاه ها

از جمله مهمترین دانشگاه های پاکستان میتوان به دانشگاه پنجاب، دانشگاه کراچی، دانشگاه قائداعظم اسلام آباد، دانشگاه پیشاور، دانشگاه کوئته، دانشگاه مهندسی لاهور و پیشاور، دانشگاه اسامی بهاولپور، دانشگاه آزاد اقبال لاهوری در اسلام آباد و دانشگاه زکریا در ملتان اشاره نمود.

امکانات آموزشی

کتابخانه های دانشگاهی

از جمله مهترین کتابخانه های دانشگاهی کشور پاکستان به سبب اهمیتی که از حیث دست نویس ها و نسخه های کهن و نفیس فارسی و عربی دارند، می توان به موارد ذیل اشاره نمود :

۱- کتابخانه ملی پاکستان در کراچی



۲- کتابخانه گنج بخش در راولپندی

۳- کتابخانه دانشگاه پیشاور

۴- کتابخانه دانشگاه لاهور

۵- کتابخانه دانشگاه قائد اعظم

۶- کتابخانه گنج بخش؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

۷- شورای ملی کتاب با هدف تشویق عادت به مطالعه و برگزاری نمایشگاه های کتاب و

کمک به چاپ و توزیع کتاب

۸- کتابخانه دانشگاه پنجاب

زبانهای بکار گرفته شده در کتب کتابخانه های معروف پاکستان از نظر کثرت فارسی، عربی، اردو،

پنجابی، سندھی، پشتو، بلوچی، سنسکریت، ترکی و انگلیسی است.

پژوهش و تحقیقات

تاریخچه

در سال ۱۹۷۴ میلادی مقارن با تقسیم شبه قاره هند به دو کشور هند و پاکستان، سهم ناچیزی از مؤسسات

تحقیقاتی من جمله دانشگاهها نصیب کشور پاکستان گردید، اما دولت وقت که دریافته بود در هر کشور نوپا ایجاد



زیربنایی محکم برای بنای استوار و وسیع تحقیقات، کلیدی است که درهای بسته را به روی صنعتی شدن، تولید و توسعه اجتماعی - اقتصادی می گشاید، نیاز شدید به تأسیس مؤسسات، سازمانها و شوراهای تحقیقاتی را از همان ابتدا احساس نمود. دولتهای بعد نیز کوششهای فراوانی به منظور ارتقاء آموزش در علوم، توسعه تحقیقات علمی و تکنولوژیکی (S&T) و ایجاد تحول در صنعت کشور نمودند. در نتیجه شبکه وسیعی با حدود ۴۰۰ مؤسسه علمی و فنی در هر دو بخش دولتی و خصوصی در بسیاری از رشته های علوم بشری و در زمینه های نظیر آموزش، مواد غذایی، کشاورزی، انرژی، منابع آب، صنعت، معادن، ژئوفیزیک، جنگلداری، ماهیگیری، الکترونیک، تکنولوژی مدرن، سیلیکون، علوم هسته ای، پزشکی و غیره تأسیس گردید. در ابتدا، تنها یک مؤسسه آموزش عالی در کشور وجود داشت (دانشگاه پنجاب) و این درحالیست که در حال حاضر، ۲۲ دانشگاه و ۷ دانشگاه ماهیتا (فنی و حرفه ای) در پاکستان فعالیت دارد. علاوه بر این، در زمان تقسیم شبه قاره، تنها تعداد اندکی کتابخانه از آن پاکستان گردید، اما در حال حاضر بیش از ۳۰۰۰ مؤسسه کتابداری جدای از کتابخانه های عمومی و آموزشگاهی در پاکستان وجود دارد. نخستین گام در حوزه اطلاع رسانی پاکستان، در سال ۱۹۵۷ توسط شورای تحقیقات علمی، فنی و صنعتی پاکستان با تأسیس مرکز دکومانتاسیون علمی و فنی پاکستان با عنوان PANSDOC با بهره گیری از کمکهای فنی سازمان یونسکو برداشته شد. PANSDOC به پی ریزی شالوده اطلاعات علمی و فنی و تربیت نیروی انسانی ماهر و بالقوه اطلاع رسانی علوم مبادرت نمود. در اوایل دهه ۷۰، وزارت علوم و تکنولوژی تأسیس گردید و همزمان بنیاد علوم پاکستان طی قانونی که از مجلس گذشت شکل گرفت. به این ترتیب اداره امور جاری PANSDOC از شورای تحقیقات علمی و صنعتی پاکستان به بنیاد علوم پاکستان منتقل شده و نام آن از PANSDOC به مرکز اطلاعات علمی و تکنولوژیک پاکستان (Pakistan Scientific & Technological Information)



Center) تغییر یافت. گفتنیست که این مرکز، در حال حاضر علاوه بر برآورده سازی نیازهای جاری کشور در زمینه های دکومانتاسیون و اطلاع رسانی، عهده دار مسوولیت برنامه ریزی ارائه خدمات آتی نیز می باشد.

شبکه ملی اطلاع رسانی

اگر چه سیاست ملی اطلاع رسانی علمی و فنی جداگانه ای در پاکستان وجود ندارد، اما لازم است اشاره کنیم که «سیاست ملی علوم و تکنولوژی پاکستان» برنامه کار عملی توسعه درازمدت عوامل بالقوه علم و تکنولوژی ملی را در بر می گیرد و از این رو پیمودن گامهائی با هدف توسعه یک شبه کارآمد اطلاع رسانی علوم مهندسی و تکنولوژی را نیز در برنامه کاری خود گنجانده است. پیشنهاد ایجاد این شبکه به منظور برقراری ارتباط با خدمات اطلاع رسانی بین المللی صورت گرفته تا بدین ترتیب این امکان برای دست اندرکاران حوزه تحقیق و توسعه (S&D) و دیگر نهادهای علاقمند فراهم گردد تا از دسترسی سریع به دانش موجود در زمینه های مختلف علم و تکنولوژی برخوردار گردند.

مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی

از آنجا که پاکستان در گذشته به عنوان بخشی از هند تحت سلطه و استعمار انگلستان بوده است، به الگو برداری از بسیاری از موارد و ابعاد این کشور پس از تشکیل حکومت مستقل مبادرت نموده است. در خصوص تحقیقات نیز میتوان گفت که الگوی مذکور به بذل توجه مناسب به امور تحقیقاتی در این کشور منجر گردیده است. کما اینکه برخی از مراکز تحقیقاتی وجود دارند که پیش از استقلال کشور شکل گرفته و برخی دیگر طی سال های اولیه تشکیل کشور ایجاد گردیده اند. در مجموع میتوان گفت تحقیقات در



پاکستان از قدمت خوبی برخوردار بوده و به این امر توجه عمده ای تاکید گردیده است. از نظر تعدد نیز مراکز و مؤسسات تحقیقاتی پاکستان از رقم بالایی برخوردار می باشند. از جمله مهمترین مؤسسات تحقیقاتی-مطالعاتی پاکستان که در فاصله زمانی بین سالهای ۱۹۵۳ تا ۱۹۸۶ تاسیس گردیده اند میتوان از تعداد ۲۳ موسسه تحت عناوین مؤسسه تحقیقات استراتژیک اسلام آباد، مرکز مطالعات منطقه ای آفریقا، مرکز مطالعات منطقه ای خاورمیانه مستقر در بلوچستان و هیأت علمی زبان اردو مستقر در لاهور و ... نام برد.

آموزش معلمان

از جمله مدرک مورد نیاز جهت تدریس در مراکز آموزش ابتدایی (کلاسهای اول تا پنجم) می توان به مدرک PTC اشاره نمود که پس از گذراندن دوره آموزشی ۱ ساله به فارغ التحصیلان اعطا می گردد. علاوه بر این، برخوردار از صلاحیت پایه (گذراندن آموزش پایه ۱۰ ساله) جهت ورود به این دوره الزامی است. از جمله مدرک مورد نیاز جهت تدریس در مراکز آموزش مقدماتی متوسطه نیز میتوان به مدرک CT (کارشناسی آموزش) اشاره نمود. برخوردار از مدرک B.E.D نیز جهت تدریس در مراکز تکمیلی متوسطه الزامی است. نهایتاً برخوردار از مدرک M.E.D جهت تدریس در کالج ها و دانشگاهها الزامی است.

برنامه های آموزشی

برنامه های آموزش معلمان خود بر ۴ بخش اصلی به شرح ذیل مشتمل می گردد :



۱- اصول اساسی آموزش، روانشناسی کودک و جامعه شناسی آموزش

۲- مطالعه مواد درسی یا موضوعات آموزشی تخصصی در جهت نیل به اهداف تحصیلی و توسعه دانش و

معلومات معلمین سطوح مختلف آموزشی

۳- آموزش روشهای گوناگون تدریس در جهت توسعه توانمندیها و قابلیت‌های مدیریتی معلمین

۴- تدریس عملی در جهت انتقال دانش و معلومات آموزشی و روشهای صحیح تدریس دروس به دانشجویان

مراکز آموزش معلمان

لازم به ذکر است که مدت زمان تدریس عملی ۶ هفته مشتمل بر ترم تحصیلی کوتاه مدت (۲ هفته ای) و ترم

بلندمدت (۴ هفته ای) است.

ارتقاء سطح دانش معلمین

در راستای ارتقاء سطح علمی معلمین سطوح مختلف آموزشی، مرکز ارتقاء آموزش علمی معلمین تحت

عنوان (IPSET) در جهت ارائه برنامه های تکمیلی آموزشی بر مبنای تحقیق و کیت‌های آموزشی، به منظور

توسعه آموزش علمی معلمین کشور در اسلام آباد تأسیس گردیده است. علاوه بر این، کالج ملی آموزش معلمین

فنی در راستای تعلیم معلمین کالج های فنی و مراکز پلی تکنیک تأسیس گردیده است.



آموزش ضمن خدمت

دوره های آموزش ضمن خدمت معلمان، توسط مراکز توسعه و گسترش آموزش با نظارت سیستم ادارات کل آموزش و پرورش استانها و با هدف ارتقاء سطح معلومات و مهارت معلمان برگزار می گردد. آندسته از معلمینی که به شرکت در این دوره ها مبادرت می نمایند، از امکانات موجود آموزشی بهره برده و معلمینی نیز که از دسترسی به چنین امکانات آموزشی محروم می باشند، از طریق برنامه های آموزش از راه دور که توسط دانشگاه علامه اقبال لاهوری در قالب برنامه های آموزشی رادیویی تدارک می یابد، به صورت پاره وقت آموزش می بینند. دوره های آموزش ضمن خدمت معلمان از ۱ تا ۴ هفته به طول می انجامد. گفتنی است که بالغ بر ۲۷٪ از معلمان سطوح مختلف آموزشی، به شرکت در این دوره ها مبادرت می نمایند و این در حالیست که بالغ بر ۴۰ درصد معلمان نیز از طریق برنامه های آموزش از راه دور تعلیم می یابند. از جمله مهمترین دروس آموزشی که در قالب برنامه های ضمن خدمت به معلمان سطوح مختلف آموزشی ارائه می گردد می توان از دروس برنامه ریزی آموزشی، تدریس عملی کتابهای درسی و جزوات، تکالیف کلاسی و خانگی، آشنایی با اصول ارزیابی تحصیلی، مشاوره تحصیلی و فعالیتهای فوق برنامه اشاره نمود.

آموزش استثنایی

آموزش استثنایی رشته جدید و روبه توسعه در کشور پاکستان است. عدم دسترسی به کار آزموده، مشکل

اصلی در سرعت سریع خدمات آموزش این حوزه آموزشی است.



جهت گیری آموزشی

دانشگاه آزاد علامه اقبال لاهوری در اسلام آباد و دانشگاه‌های کراچی و اسلام آباد، به ارائه دوره های آموزشی تا سطح کارشناسی ارشد آموزش استثنایی مبادرت مینمایند. علاوه بر این، مرکز فعال و مستقل بین المللی آموزش استثنایی در اسلام آباد در جهت ارائه آموزش به معلمان و افراد نابینا تأسیس گردیده است. علاوه بر این، همکاریهایی نیز با آژانسهای بین المللی نظیر WHO، OD، سازمانهای یونیسف و یونسکو و UNDP/ ILO به منظور برنامه ریزی و توسعه پروژه های آموزش استثنایی در رشته های آموزش نیروی کار، پشتیبانی تجهیزات، خدمات و کمک هزینه تحصیلی و توسعه برنامه های ملی برقرار می گردد. طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۶، تعداد کل دانش آموزان مراکز آموزش استثنایی بر ۳۵۰۰ و تعداد مراکز آموزش استثنایی بر ۴۵ مدرسه بالغ می گردد.

آموزش بزرگسالان

نرخ با سوادی بزرگسالان

نرخ با سوادی در میان بزرگسالان پاکستان پایین است. طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۲، بیش از ۳۶ درصد از افراد دارای رده های سنی ۱۵ سال و بالاتر در این کشور با سواد می باشند و این در حالی است که در سال ۱۹۷۰، تنها ۲۱ درصد از افراد بالای ۱۵ سال در این کشور از نعمت سواد برخوردار بودند. طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۰، همچنین مشخص گردید که نرخ با سوادی در میان افراد رده های سنی ۱۹-۱۵ سال در کشور به ۵۰ درصد افزایش یافته است. طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۲، جمعیت بالای ۲۵ سال بطور متوسط تنها



از ۱/۹ سال تحصیل برخوردار می باشند. این رقم نشانه حداقل معیار باسوادی افراد (برخورداری از قدرت خواندن و نوشتن) محسوب می گردد. طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۵، بالغ بر ۵۴ میلیون نفر در پاکستان از نعمت سواد محروم می باشند. نسبت متوسط افراد بی سواد در این کشور از ۷۹/۳ طی سال ۱۹۷۳ به ۴۱/۵ درصد طی سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است.

آموزش زنان

مقایسه آمار مربوط به تحصیلات مردان و زنان نشان می دهد که در این کشور تفاوت قابل ملاحظه ای در زمینه دستاوردهای تحصیلی میان مردان و زنان وجود دارد. طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۲، ۲۲ درصد از زنان دارای بیش از رده سنی ۱۵ سال، از نعمت سواد برخوردار بوده اند و این در حالی است که نرخ مردان با سواد بر ۴۹ درصد بالغ می گردد. پایین بودن سطح پیشرفت در زمینه تحصیل زنان در این واقعیت منعکس شده است که بین سالهای ۱۹۸۹-۱۹۸۰، ۲۵ درصد از زنان رده های سنی ۱۵ الی ۲۴ سال از نعمت سواد برخوردار بوده اند. منابع سازمان ملل اظهار داشته اند که در سال ۱۹۹۰، از هر ۱۰۰ دختر پاکستانی- در سن دبستانی- تنها ۳۰ دختر به مدارس ابتدایی راه یافته و از هر ۱۰۰ دختر دبیرستانی (کلاس های نهم و دهم) تنها ۱/۵ دختر به مدارس متوسطه راه یافته اند. تفاوت بین مناطق روستایی و مناطق شهری نیز مشهود است، به نحوی که در سال ۱۹۸۱، تنها ۱۵ درصد از زنان ساکن مناطق روستایی از نعمت سواد برخوردار بوده اند و در حالی که رقم زنان با سواد در مناطق شهری در سال بر ۳۵ درصد بالغ می گردید. در میان مردان، نرخ افراد با سواد در روستاها طی سال ۱۹۸۱، ۲۷ درصد و در شهرها به ۵۷ درصد بالغ می گردد. نرخ باسوادی در میان زنان پاکستان بحدی



ناچیز است که این کشور از نظر سواد با برخی از فقیرترین کشورهای جهان قابل مقایسه است. در گذشته تصور میگردید که عوامل فرهنگی، عامل اصلی پائین بودن سطح تحصیلات در میان زنان پاکستانی است، اما تحقیقات به عمل آمده توسط سازمان های بین المللی طی دهه ۱۹۸۰، نشان داد که اغلب خانواده ها بعلت در خطر بودن شرافت زنان، از حضور زنان در مدارس جلوگیری می نمایند. از این روی، مدتی بعد زمانی که دولت به برقراری امنیت در مناطق روستایی پنجاب و بلوچستان مبادرت نمود، والدین پاکستانی، تمایل بیشتری به حضور کودکان خویش در مدارس نشان دادند.

آموزش علوم مذهبی

جدا از مکتب خانه ها که بنابه نیاز اجتماعی و جایگاه مردمی آن در مساجد، از جایگاه ویژه ای برخوردار گردیده و سرعت گسترش یافت، مراکز آموزشی دیگری تحت عنوان مدارس دینی بوجود آمد. این نوع مدارس، تا مدتهای مدید جای خود را در مساجد حفظ نمود؛ بدین ترتیب که در بخشی از مساجد- حول و حوش محراب و گاه در شبستان یا ایوان- درجایی به نام (مدرس)، طلاب از اساتید بزرگ کسب فیض می نمودند. در این اثنا، شهروندان پاکستانی به منظور فراگیری احکام قرآن، تفسیر و احادیث در مسجد حاضر می شدند. و فور کتب آموزشی، کثرت علما و فراوانی جویندگان دانش از یکسو و نیازهای علمی و دینی جامعه از سوی دیگر به شکل گیری مراکز علمی انجامید که نخستین شکل آن طی قرن چهارم هجری بصورت مدرسه علمیه در کنار یا درون مساجد ظاهر شد. از جمله مهمترین مدارس علوم دینی کشور پاکستان که متعلق به اهل سنت و شیعه می باشد، می توان به موارد ذیل اشاره نمود :



مدارس علوم دینی اہل سنت

جامعہ اشرفیہ (لاہور)

مدرسہ دارالعلوم (ملتان)

خیر المدارس (ملتان)

جامعہ اسلامیہ (بہاولپور)

دارالعلوم حقانیہ (اکورہ خٹک)

جامعہ نعیمیہ (لاہور)

جامعہ اشرفیہ (پیشاور)

مرکز تعلیمات اسلامی (کراچی)

مدارس علوم دینی بریلویہا

مدرسہ نظیر الایمان بریلی

مدرسہ نعمانیہ (لاہور)

مدرسہ حزب الاحناف (لاہور)



مدرسه نعمانیہ رضویہ (لاہور)

حزب نعیمیہ (لاہور)

فیضیہ رضویہ (احمدپور)

مدرسه محمدیہ نموثیہ (بھیرہ)

مدرسه اسلامیہ- عربیہ کمال اسلام (آستانہ عالیہ توگھرہ)

مدرسه رضاء المصطفیٰ (بہاولپور)

مدرسه رضویہ (رحیم یارخان)

مدرسه حنفیہ فریدیہ (بصیرپور)

مدرسه رضویہ نقشبندیہ (سالنگر)

مدرسه حامدیہ رضویہ (کراچی)

مدرسه انوارالعلوم (ملتان)

مدرسه امجدیہ (کراچی)

مدرسه رضویہ عربیہ (ہارون آباد)



مدرسه رضویہ ضیاء العلوم (راولپندی)

مدرسه رضویہ ضیاء العلوم (راولپندی)

مدرسه نقشبندیہ (فیض مصطفیٰ)

مدرسه غوثیہ (حولی گلہا)

مدرسه محمودیہ رضویہ (بیلان)

مدرسه رضویہ نظیر الاسلام (ملتان)

مدرسه رضویہ نظیر الاسلام (فیصل آباد)

مدارس علوم دینی شیعیان

حوزہ علمیہ آیت اللہ حکیم (راولپندی)

مدرسه مؤمن (راولپندی)

مرکز بزرگ دینی المنتظر (لاہور)

جامعہ اہل بیت (اسلام آباد)

مدرسه مشارع العلوم (حیدرآباد)



مدرسه جعفریه (پاراچنار)

جامعه شهید عارف حسین (پیشاور)

جامعه قبازردیه (سکردو)

جامعه محمدیه (بلتستان)

جامعه الامام الحسین (کراچی)

جامعه امامیه (کراچی)

مدرسه جعفریه (کراچی)

مدرسه امام صادق (کویته)

مواد درسی این مراکز همان مواد درسی حوزه های علمیه ایران است و اکثر مدرسین این مراکز دینی نیز تحصیل کرده نجف اشرف و قم می باشند. پس از فوت (مفتی جعفر حسین) رهبر شیعیان و نخستین رئیس نهضت اجرای فقه جعفری، رهبری شیعیان را (سید عارف حسین حسینی) بر عهده گرفت. هم زمان بعضا (سید حامد علی شاه) رانیز رهبر میدانستند. پس از شهادت (سید عارف حسین حسینی) رهبریت شیعیان و سیاست نهضت اجرای فقه جعفری بر عهده (علامه سید ساجد نقوی) قرار گرفت. در حال حاضر این سازمان با نام نهضت جعفریه به فعالیت خود ادامه می دهد.



سازمان دانشجویان امامیه

این تشکیل دانشجویی دارای برنامه منظمی است. افراد سازمان پس از خاتمه تحصیل وارد سازمان امامیه می گردند. این سازمان که تاریخ تأسیس آن به سال ۱۹۷۲ باز می گردد، علاوه بر فعالیت های داخلی و دانشجویی، به فعالیت های اجتماعی نیز می پردازد که از آن جمله می توان به نشر کتبی نظیر نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و منتهی الامال اشاره نمود. سازمان دانشجویان همچنین از مراکز انتشاراتی برخوردار است.

اصول و اهداف آموزشی

از جمله مهمترین اصول و اهداف آموزشی کشور پاکستان می توان به موارد ذیل اشاره نمود :

- ۱- آموزش علوم قرآنی و اصول اسلامی به عنوان جزئی از برنامه های پایه آموزشی
- ۲- ارائه برنامه های جامع و جهانی آموزش ابتدایی با بهره گیری از تکنیکهای رسمی و غیر رسمی و فراهم سازی فرصت دوباره برای مردودین علمی با ایجاد آموزش پایه در سراسر کشور
- ۳- آشنایی با نیازهای اولیه و اساسی آموزشی کودکان از نظر محتویات و ابزار آموزشی
- ۴- ارتقاء کمی و کیفی برنامه های آموزشی به ویژه آموزش پایه
- ۵- تضمین برخورداری متناسب و همسان دانش آموزان دختر و پسر از برنامه های آموزش متوسطه



۶- توسعه آموزش فنی و حرفه ای به منظور تأمین کادر انسانی ماهر، متخصص و خلاق

۷- اتخاذ چارچوب سیاستگزاری آموزشی در روند برنامه ریزی و توسعه برنامه های آموزش معلمان اعم از

برنامه های آموزشی ضمن خدمت و پیش از خدمت

۸- ارتقاء کیفی برنامه های آموزش عالی به واسطه تبعیت از فرایندهای آموزشی و تحقیقاتی در راستای

استانداردهای بین المللی

۹- کسب برتری در رشته های خاص آموزش عالی به واسطه ارائه علوم مدرن دانشگاهی و احداث مراکزی

جهت پرداختن به مطالعات و تحقیقات آموزشی

۱۰- تشویق و ترغیب بخش خصوصی به حمایت از دانش آموزان بی بضاعت و ارائه برنامه های آموزشی

رایگان به آنان

۱۱- عمومی سازی فرایند اطلاع رسانی به کودکان به منظور آماده سازی آنان جهت برخورداری از نسل

پیشرفته و تأکید بر نقش کامپیوتر و تکنولوژی اطلاعاتی در فرآیند برنامه ریزی آموزشی

۱۲- تعمیم همگانی برنامه های آموزش پایه و تضمین دسترسی کلیه شهروندان پاکستانی به ویژه کودکان به

این قبیل برنامه ها به صورت رایگان



اولویتها و علایق آموزشی

از جمله مهمترین اولویتها و علایق آموزشی کشور پاکستان می توان به موارد ذیل اشاره نمود :

۱- جهانی سازی برنامه های آموزش ابتدایی در راستای کاهش نرخ افت تحصیلی و برطرف سازی

نیازهای آموزشی پایه تا سال ۲۰۱۰

۲- ارتقاء نرخ سواد آموزی تا میزان ۵۵٪ در سال ۲۰۰۳ و ۷۰٪ تا سال ۲۰۱۰ به واسطه معطوف

داشتن توجه به آموزش گسترده بزرگسالان

در این راستا، کمیته سواد آموزی نخست وزیری، عهده دار مسوولیت اجرای طرحی تحت عنوان

حرکت ملی سوادآموزی با همکاری استانهای مختلف کشور گردیده است.

۳- معطوف داشتن توجه عمده بر مساله سوادآموزی زنان در کلیه نقاط روستایی و شهری از طریق

ارائه برنامه های ویژه آموزشی در راستای نیل به سیاست دسترسی برابر و همگانی به امکانات

آموزشی و کاهش نرخ بی سوادی در سراسر کشور

۴- ارتقاء کیفی برنامه های آموزشی با تأکید بر نقش معلمین در فرآیندهای یادگیری از طریق امرورینه

سازی برنامه ها و کتب درسی، افزایش امکانات و ابزار آموزشی و معرفی علوم جدید در کلیه

سطوح آموزشی



۵- تشویق و ترغیب بخش خصوصی به مشارکت در برنامه های آموزشی و صدور مجوز فعالیت

آموزشی به آنان

۶- بهادادن به مقام معلمین در جامعه و به ارتقاء شغلی و موقعیتی آنان براساس قابلیت های فردی و

ارزشیابی کاری

مدیریت آموزشی

کشور پاکستان بر ۵ ایالت (سند، پنجاب، NWFP، استان شمالی غربی و بلوچستان) مشتمل می گردد که هر یک از نظام پارلمانی برخوردار میباشند. قلمروهای دیگر کشور (حکومت ائتلافی مناطق شمالی FANA و حکومت ائتلافی مناطق تریبال FATA) نیز تحت حاکمیت دولت ائتلافی قرار دارند. طی سال ۱۹۷۳، توافقاتی بر سر مساله تقسیم مسئولیتها میان استانها و مراکز کشور به میان آمد. مسولیت اداره برنامه های آموزشی و پرورشی با دولت پاکستان بوده و کلیه مراکز آموزشی مستقر در نواحی مختلف کشور تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش فعالیت دارند. وزارتخانه فوق با همکاری ادارات کل آموزش و پرورش استانها به اجرای سیاستهای آموزشی در سراسر کشور مبادرت می نماید. گفتنیست که در این راستا، هر استانی به چند بخش، منطقه و حوزه تقسیم می گردد. در جهت نیل به اهداف مدیریت آموزشی، نظام آموزشی مبتنی بر ۳ مقطع آموزش مقدماتی (ابتدایی)، آموزش متوسطه و آموزش عالی طراحی گردیده است. این در حالیست که در استانهای پنجاب و PWFN نظامات آموزشی جداگانه ای اعمال می گردد. طی سال ۱۹۸۱، کمیته آموزش ملی سوادآموزی به منظور انجام تحقیقاتی در خصوص نرخ باسوادی در کشور و توسعه طرحهای سوادآموزی و آموزش غیر رسمی متناسب با اهداف شهروندان پاکستانی



تشکیل گردید. در این راستا همچنین، شورای ملی هماهنگی آموزش جمعی و سوادآموزی طی سال ۱۹۸۳ تأسیس گردید. گفتنی است که شورای مذکور بزرگترین سازمان هماهنگ کننده برنامه های آموزش همگانی کشور به شمار می آید که ریاست آن بر عهده شخص رییس جمهور است. لازم به ذکر است که در حال حاضر، شورای مذکور به کمیته سوادآموزی نخست وزیری تغییر نام داده و عهده دار مسوولیت ارتقاء نرخ سواد در میان شهروندان پاکستانی است. طی سال ۱۹۷۹، با تشکیل آکادمی برنامه ریزی و مدیریت آموزشی، پیشنهاد حضور برنامه ریزان، مدیران، بازرسان آموزشی و معلمان در دوره های آموزشی مطرح گردید. این آکادمی به عنوان سازمان مستقل وزارت آموزش و پرورش پاکستان فعالیت نموده و عهده دار مسوولیت جمع آوری آمار و اطلاعات آموزشی، عرضه آموزش پیش از خدمت به معلمان، مدیران و طراحان آموزشی در سطوح مختلف آموزشی، تشخیص و ارزیابی پروژه های گوناگون بر اساس تکنیکهای مدیریتی، ارائه برنامه های آموزش ضمن خدمت به مدیران و طراحان آموزشی در راستای توانمند سازی آنان در برنامه های مدیریتی و بهره گیری از کامپیوتر و سایر امکانات تکنولوژیک در حوزه آموزش، ارائه خدمات کارشناسی به ادارات آموزش و پرورش استانها و دیگر مؤسسات آموزشی کشور می باشد.

قوانین آموزشی

از جمله مهمترین قوانین آموزشی کشور پاکستان می توان به قانون مصوب سال ۱۹۷۳ در خصوص تضمین فراهم سازی امکانات برابر آموزشی برای کلیه شهروندان پاکستانی بدون توجه بر محدودیتهای جنسیتی، آرمانی و نژادی اشاره نمود. علاوه بر این در بند ۳۷ قانون اساسی کشور بر اجرای دستورات ذیل تاکید گردیده است:



۱- دولت ملزم به ارتقاء بخشی به به مصالح اقتصادی و آموزشی کشور به ویژه مناطق دور افتاده و محروم جامعه می باشد.

۲- ریشه کن سازی بی سوادی و ارائه آموزش رایگان و اجباری در حداقل زمانی ممکن

۳- فراهم سازی قابلیت دسترسی آسان کلیه شهروندان پاکستانی به امکانات آموزش فنی و حرفه ای و آموزش عالی

۴- افزایش مدت زمان آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۱۰ به موجب تقویت قانون آموزش اجباری

بودجه و هزینه های آموزشی

در سال ۱۹۶۰، بودجه دولتی حوزه آموزش و پرورش صرفاً بر ۱/۱ درصد از تولید ناخالص ملی کشور بالغ می

گردید. این در حالیست که در سال ۱۹۹۰، نرخ مذکور به ۳/۴ درصد افزایش یافت و این در حالی است که بودجه

دفاعی کشور طی این سال بر ۳۳/۹ درصد از تولید ناخالص ملی کشور بالغ می گردید. مقایسه بین هزینه های

آموزش و پرورش و هزینه های دفاعی کشور حاکی از آن است که سهم اندکی از بودجه کل کشور به حوزه

آموزش و پرورش اختصاص می یابد.



نرخ بودجه آموزشی و نسبت بودجه آموزشی به بودجه ناخالص ملی طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۰

سال تحصیلی	کل بودجه ملی	بودجه کل آموزش	بودجه جاری	بودجه بخش توسعه	درصد بودجه ملی	درصد بودجه ناخالص ملی
۹۰-۹۱	۳۰۱۵۱۱۳۰۰	۲۲۲۷۲۶۵۵	۱۸۰۱۲۲۶۲	۴۲۶۰۶۹۳	۷/۳۷	۲/۱۳
۹۱-۹۲	۴۳۲۳۱۸۳۶۰	۲۶۱۹۰۹۸۲	۲۲۲۵۶۵۷۰	۳۹۳۲۴۱۲	۶/۶۰	۲/۴۰
۹۲-۹۳	۴۴۷۲۰۳۹۰۴	۲۹۱۹۷۲۶۲	۲۵۰۲۵۲۹۰	۴۱۷۱۹۷۲	۶/۷۱	۲/۱۶
۹۳-۹۴	۴۴۲۴۷۶۵۸۸	۳۴۸۷۲۰۳۴	۳۰۵۹۳۹۹۹	۴۲۷۸۰۳۵	۸/۳۱	۲/۲۱
۹۴-۹۵	۵۹۹۴۴۶۱۷۳	۴۴۰۹۶۳۹۶	۳۷۷۹۹۱۸۸	۶۲۹۷۲۰۸	۷/۳۹	۲/۳۳
۹۵-۹۶	۷۳۶۶۹۰۹۶۳	۵۲۶۴۳۵۸۵	۴۵۱۲۵۷۰۱	۷۵۱۷۸۸۴	۷/۰۸	۲/۴۴
۹۶-۹۷	۷۹۴۲۲۴۷۴۷	۶۴۴۲۵۶۱۶	۵۱۸۰۳۹۰۱	۱۲۶۲۱۷۱۵	۷/۶۵	۲/۷۰
۹۷-۹۸	۹۲۸۳۱۱۴۸۸	۶۵۶۲۲۷۸۰	۵۶۵۱۵۲۵۲	۹۱۰۸۵۲۸	۷/۰۹	۲/۳۹

نرخ بودجه مصوب دوره ابتدایی طی سالهای ۱۹۹۷-۱۹۹۰

۹۰-۹۱	۹۱-۹۲	۹۲-۹۳	۹۳-۹۴
۴۱/۸۶	۴۳/۹۸	۴۴/۳۲	۴۶/۶۷
۹۴-۹۵	۹۵-۹۶	۹۶-۹۷	-
۴۸/۰۸	۴۷/۰۹	۵۱/۷۲	-



نرخ بودجه مصوب مقاطع مقدماتی و تکمیلی متوسطه طی سالهای ۱۹۹۷-۱۹۹۰

	۹۱-۹۲	۹۲-۹۳	۹۳-۹۴
۲۴/۱۱	۲۴/۳۰	۲۳/۰۰	۲۴/۰۳
۹۴-۹۵	۹۵-۹۶	۹۶-۹۷	۹۷-۹۸
۲۳/۸۳	۲۳/۶۷	۲۱/۵۲	-

طبق آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۶، هزینه های جاری آموزشی کشور بر ۵۱۸۰۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰ روپیه پاکستان

معادل ۲/۴٪ تولید ناخالص ملی بالغ می گردد.

هزینه های آموزشی بر مبنای سطوح مختلف آموزشی طی سال ۱۹۹۶

پیش دبستانی : ۲۰٪

اولین سطح : ۲۷/۴٪

دومین سطح : ۲۹/۶٪

سومین سطح : ۱۳/۲٪